

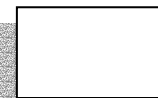
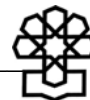
•

:

:

:

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	فصل اول - مفهوم‌شناسی فرهنگ
۲	بخش اول - بازشناسی مفاهیم فرهنگ، موقعیت و زمینه‌های قانونی
۴	بخش دوم - تعریف فرهنگ
۵	بخش سوم - مقولات فرهنگی
۹	بخش چهارم - ملاحظات فرهنگی
۱۱	فصل دوم - سیاستگذاری فرهنگی در ایران
۱۱	بخش اول - مقوله فرهنگ و تفوق فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری
۲۴	بخش دوم - سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۲۸	بخش سوم - اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۳۲	بخش چهارم - اهداف و اولویت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۳۴	بخش پنجم - اولویت‌های فرهنگی براساس مقولات فرهنگی
۴۳	فصل سوم - برنامه‌های فرهنگی در چهار قانون توسعه
۴۸	فصل چهارم - ظرفیت‌ها و الزامات قانونی سند چشم‌انداز
۵۲	نتیجه‌گیری
۵۴	منابع و مآخذ



آنگونه که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی آمده فرهنگ موضوع و عامل دستیابی برتر اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه خاورمیانه است. مفاهیم هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل از جمله مفاهیمی هستند که موضوعیت فرهنگ را در این عالی‌ترین سند توسعه‌ای به روشنی بیان می‌دارد. مسلماً تحقق این نقطه هدفگذاری مستلزم زمینه‌سازی و توجه به الزامات سیاسی و قانونی چنین سندی است.

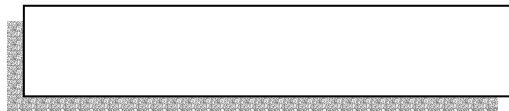
اینکه اهداف فرهنگی نظام جمهوری اسلامی چیست؟ و چه سیاست‌هایی برای دستیابی به آنها تدوین و تنظیم گردیده است و همین‌طور کدامیک از سیاست‌ها و نشانگاه‌های فرهنگی از اولویت بیشتری برخوردار می‌باشد. از این حیث گزارش حاضر تلاشی حداقلی در پاسخ به پرسش‌های پیش‌گفت به‌شمار می‌آید؛ باشد که از این رهگذر ربط و هم‌پیوندی وثیق‌تری میان برنامه پنجم توسعه و اسناد و قوانین بالادستی ایجاد شود.



سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله، دورنمای افقی را ترسیم می‌کند که کشور در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باید طی ۲۰ سال آینده به آن دست یابد. برای تأمین این نقطه هدفگذاری شده، نظام برنامه‌ریزی کشور مأموریت یافته است تا چهار برنامه توسعه پنج‌ساله، را طراحی و تنظیم کند. در این میان، مسئله اصلی آن است که اگرچه ایران، در عرصه فرهنگی، به نسبت دیگر عرصه‌ها از ظرفیت و مزیت بیشتری برخوردار است، با این وصف هنوز و طی نخستین برنامه از چهار برنامه توسعه مورد نظر نتوانسته است بسترها و زمینه‌های سیاسی و قانونی لازم را برای دستیابی به اهداف این چشم‌انداز فراهم کند. به واقع نه مواد و مصالح و نه صورت و فرم آن معین شده است و به همین دلیل تبیین وضع موجود، تعیین رویکردها، اهداف و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی برای دستیابی به چنین موقعیتی که راهنمای عمل برنامه‌های توسعه آینده باشد، از ضروریات این چشم‌انداز است. علاوه بر این موارد، الزاماتی در فرارو واقع شده‌اند که در این راستا توجه به آنها اجتناب‌ناپذیر است از جمله اینکه اولاً باید نظام برنامه‌ریزی در مسیر



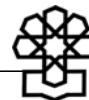
چشم‌انداز در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متوازن باشد و ثانیاً نیروهای فرهنگی در گستره جغرافیای فرهنگی کشور - مطابق تجربه‌های متوالی - باید پیش از نیروهای اقتصادی، فنی و سیاسی در منطقه پیاده و وارد عمل شوند. با این مقدمه، گزارش حاضر به‌منظور بازخوانی و تدوین اهداف، سیاست‌ها و اولویت‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی (که به‌صورت مصوب و غیرمصوب وضع شده‌اند) تهیه شده است تا گامی به سوی تشخیص زمینه‌ها و تعیین الزامات سند چشم‌انداز بیست‌ساله برداشته و چارچوب‌هایی نیز برای تدوین پیش‌نویس برنامه پنجم توسعه ارائه شود.



(

ابتدا باید مشخص شود رقابت یا کسب موقعیت برتر در کدام یک از مؤلفه‌ها یا شاخص‌های فرهنگی اتفاق بیفتد، همچنین بحث توسعه شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی، مستلزم توافق بر تعریفی از واژه فرهنگ است که برای طرفین فعالیت یا رقابت به یک میزان قابل شناسایی باشد. بدین ترتیب در این بررسی تعریفی که یونسکو در کنفرانس «تدابیر فرهنگی» در سال ۱۹۸۲ در مکزیک از فرهنگ ارائه کرده، مبنای مناسبی برای طرح مسئله است. بنابراین تعریف: «فرهنگ مجموعه‌ای تام از خصوصیات معنوی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروه اجتماعی را متمایز می‌کند [و] نه فقط دربرگیرنده هنر و ادبیات است، بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام ارزش‌ها، سنت و باورها را هم دربرمی‌گیرد»^۱.

در شرایط تحفظ، بحث ویژگی‌های دینی، قومی یا ملی، عمدتاً در کشورهایی با سابقه فرهنگی و تمدنی طولانی پیش می‌آید که مایل نیستند به بهای زبان مشترک فرهنگی، صورت‌های فرهنگی جهانی را - که همراه مواد فرهنگی استاندارد پیشنهاد می‌شوند - بپذیرند. آنها بیشتر بر شکل بومی فرهنگ تأکید دارند که مواد و شاخص‌های توسعه آن حتی می‌تواند براساس همان مواد و شاخص‌های فرهنگی شکل گیرد. ولی آنچه باعث تحریک کشورها به رقابت و کسب موقعیت برتر فرهنگی است، همان وجه بومی فرهنگ است که در واقع «صورت فرهنگی» کشورهاست که در قالب مواد جای نمی‌گیرد. بنابراین برتری فرهنگی عبارت است از اینکه:



[/] .

براساس این دیدگاه، حوزه نفوذ فرهنگی کشور باید همواره گسترش یابد و موقعیت فرهنگی کشور، مسلط و برتر باشد که این کار مستلزم سیاستگذاری واقع‌بینانه از یک‌سو و دیپلماسی فرهنگی هوشمندانه از سوی دیگر است که اولویت‌ها را شناسایی و دائماً بازبینی کند تا حوزه جغرافیای فرهنگی ایران، مطابق چشم‌انداز تکوین و تحکیم یابد.

(

براساس سند چشم‌انداز در سال ۱۴۰۴ «ایران باید کشوری باشد توسعه‌یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای میانه و جنوب‌غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل»^۲ امروزه تعامل یا رقابت فرهنگی با دیگر کشورها، براساس چارچوب‌های حقوقی و برنامه‌هایی است که تحت عنوان کنوانسیون‌ها یا برنامه‌های منطقه‌ای، با رویکرد توسعه فرهنگی و منطقه‌ای طرح‌ریزی شده است.

باید توجه داشت از دیدگاه جغرافیای فرهنگی، کشورهای دارای صورت فرهنگی مسلط، برای گسترش نفوذ، تهاجم یکسویه فرهنگی را از سوی مراکز قدرت ساماندهی می‌کنند که هدف آنها کشورگشایی خاموش و فرهنگی و هدایت مواد و چارچوب‌های فرهنگی استاندارد در مسیر همین دیدگاه مسلط است. مطابق این دیدگاه، اصول رقابت یا تعامل زیرپا گذاشته می‌شود و کشورهای قدرتمند مستبدانه و به مدد فناوری برتر، جایگاه برتر را تصاحب می‌کنند. چیزی که به‌عنوان تهاجم فرهنگی، تأثیرات شگرفی بر مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌جای می‌گذارد.

لذا جمهوری اسلامی ایران وظایف دشواری در ایجاد رقابت و تعامل فرهنگی قانونمند و بلندمدت از یک‌سو و مقابله با تأثیرات تکنولوژی و صورت فرهنگی کشورهای مسلط از طریق تعیین میدان نفوذ و موقعیت جغرافیای فرهنگی خود در منطقه برعهده دارد.

(

در آستانه راهی که دولت و جامعه ایرانی باید برای کسب جایگاه و موقعیت برتر فرهنگی در منطقه - وفق سند چشم‌انداز- بییماید، مسئله اساسی ایجاد زمینه‌هایی است که برای ورود به عرصه تعامل

1. Geoculturic

2. سند چشم‌انداز بیست‌ساله.



و رقابت فرهنگی با کشورهای منطقه و تعیین حوزه نفوذ ضرورت دارند. این زمینه‌ها، شامل ملاحظات قانونی، ساختاری و سیاسی است که هر یک به تنهایی و نیز در کنار یکدیگر، مدخل ورود به این راه و جایگاه به‌شمار می‌روند. در اینجا به زمینه‌ها و ملاحظات قانونی و سیاسی، به منزله خطوط راهنمای این راه و جایگاه می‌پردازیم، به‌گونه‌ای که هم وظایف و نیازهای دولت و هم وظایف و نیازهای جامعه در افق چشم‌انداز را معین می‌کند. قانونمندی این مسیر خود زمینه‌های اساسی تعیین حوزه و میدان نفوذ فرهنگی یا صورت‌بندی دیدگاه جغرافیای فرهنگی کشور در منطقه را هموار و ایجاد می‌کند.

در زمینه تعریف فرهنگ، دیدگاه‌ها، نقطه‌نظرات مفاهیم، مقولات و تقسیم‌بندی‌های متنوعی ارائه شده است. در این میان عام‌ترین تعریف را انسان‌شناسان طرح می‌کنند. یعنی تفکیک فرهنگ به دو عنصر معنوی و مادی. به این معنا، فرهنگ، متشکل از یکسری ایده‌ها، باورها، ارزش‌ها و دانش‌های تکنیکی است و در طرف مقابل مجموعه‌ای است از ابزارها، مواد، مصنوعات، اختراعات و داشته‌های عینی که این دو، کم‌وکیف و سبک‌وسیاق زندگی هر گروه یا جامعه انسانی را مشخص می‌کنند.^۱

عده‌ای دیگر فرهنگ را منحصر به عناصر ایدئالیستی و ذهنی یا حداقل جوهره فرهنگ را معرفت و اندیشه بشر می‌دانند. چنین نگاهی، فرهنگ را متشکل از اجزاء ۶ گانه زیر می‌بیند:

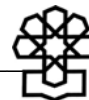
- ۱. ، که شامل تمثال، نماد و شاخص است (مثل زبان)،
- ۲. ، متشکل از باور، ارزش، تکلیف و فن (از جمله قانونمند دانستن جهان طبیعی، بی‌طرفی ارزشی، ریاضت‌گرایی، تجربه‌گرایی و... در عرصه علم)،
- ۳. یعنی انگیزشی که انسان را برای ارضای نیازهای شناختی اشیا به حرکت می‌دارد.
- ۴. یا مجموعه تلاش‌هایی که برای صورت‌بندی علی - معلولی جهان پیرامون صورت می‌گیرد،

۵. یعنی همان نظم و پایداری میان اندیشه‌ها و علائم.^۲

با مرجع قرار گرفتن این تقسیم‌بندی از عناصر فرهنگ، بی‌تردید ابعاد ذهنی و نرم‌افزاری فرهنگ، مورد مذاقه قرار می‌گیرند، اما از مصنوعات و تولیدات عینی فرهنگی تا حدودی غفلت

۱. مسعود چلبی، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۵۸.

۲. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به چلبی، کتابچه فعالیت فرهنگی در دانشگاه، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.



می‌شود. بدین معنا که از مقولاتی همچون مشارکت فرهنگی، سیاستگذاری فرهنگی و تولیدات، آفرینش‌ها و اماکن و بناهای فرهنگی در این تقسیم‌بندی، خبری نیست. به عبارت دیگر، تقسیم‌بندی مذکور، فرهنگ را در معنایی کاملاً آکادمیک و تحلیلی به کار می‌برد و از نیازهای اجرایی و عملیاتی به دور است.

تعریف دیگری که بیشتر صبغه اجرایی دارد، تعریفی است مبتنی بر اسناد کنفرانس «مکزیکو» که در سال ۱۹۸۲ برای بحث و گفتگو به منظور تأکید بر بعد فرهنگی تشکیل شد. تمرکز بر هویت فرهنگی، مشارکت فرهنگی و همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی، به عنوان فعالیت‌های لازم برای افزایش و ارتقای سهم فرهنگ در برنامه‌ریزی توسعه برای کشورها توسط یونسکو پیشنهاد شده است. در مجموع در این کنفرانس، فرهنگ این چنین تعریف شده است: (که در این گزارش نیز مبنا قرار گرفته است) «فرهنگ مجموعه‌ای تام از خصوصیات معنوی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروه اجتماعی را متمایز می‌کند. نه فقط دربرگیرنده هنر و ادبیات است، بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام ارزش‌ها، سنت و باورها را هم دربرمی‌گیرد»^۱.

یکی از تقسیم‌بندی‌های مقولات فرهنگی مربوط به سازمان یونسکو است. در این تقسیم‌بندی ۱۱ مقوله احصا شده است که عبارتند از:

۱. میراث فرهنگی،
۲. مطالب چاپی و ادبیات،
۳. موسیقی،
۴. هنرهای اجرایی (نمایش و رقص)،
۵. هنرهای بصری (تجسمی)،
۶. سینما و عکاسی،
۷. رادیو و تلویزیون،
۸. فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی،
۹. ورزش‌ها و بازی‌ها،
۱۰. طبیعت و محیط‌زیست،
۱۱. خدمات اداری فعالیت‌های فرهنگی.

تقسیم‌بندی دیگری که فرهنگ را به اجزا و واحدهای عملیاتی تقسیم می‌کند، در طرح تدوین

۱. حمید امین اسماعیلی، بررسی فرهنگ در برنامه اول و دوم توسعه، ۱۳۷۸.



شاخص‌های فرهنگی (موضوع ماده (۱۶۲) قانون برنامه سوم) عملاً اجرا شده است. طبق این تقسیم‌بندی، فرهنگ مجموعه‌ای است متشکل از:

- سیاستگذاری و مدیریت فرهنگی،

- حوزه ورزش،

- حوزه میراث فرهنگی،

- حوزه هنرهای سنتی و صنایع دستی،

- حوزه کتاب،

- حوزه تئاتر،

- حوزه آموزش و پژوهش فرهنگی،

- حوزه مجتمعات‌های فرهنگی چندمنظوره،

- حوزه گردشگری،

- حوزه سینما و ویدئو،

- حوزه اطلاع‌رسانی و تبلیغات،

- حوزه نشریات و مطبوعات،

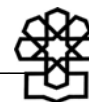
- حوزه مکان‌های دینی و کانون‌های فرهنگی - هنری وابسته به آنها.^۱

اگرچه جامعیت تقسیم‌بندی فوق در حوزه فعالیت‌ها و امور فرهنگی، ورزش، اوقات فراغت، گردشگری، اماکن فرهنگی و تفریحی و بالاخره مقوله آموزش، مثال زدنی است، با این حال جای مقولات مهمی چون هویت فرهنگی و مشارکت فرهنگی آن خالی به نظر می‌رسد.

با توجه به این مقدمات باید گفت که «فرهنگ» در چهار برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹-۱۳۸۸) اصولاً در مفهوم حداکثری به کار رفته است. بدین ترتیب که در قالب تعریف، دایره فرهنگ مفهوم وسیعی را تحت پوشش قرار می‌دهد که از ابعاد روانی، ذهنی و معنوی زندگی اجتماعی گرفته تا تولیدات و دستاوردهای علمی و ادبی و هنری و تاریخی جامعه و همچنین مقوله اوقات فراغت را در بر می‌گیرد.

از این رو برای جستجوی اولویت‌بندی‌ها و ترجیحات فرهنگی در این برنامه‌ها، نوعی تقسیم‌بندی باید صورت گیرد که حتی‌المقدور مقولات یاد شده را به شکل جامع و مانع شامل شود. بنابراین تلاش می‌شود نوعی تقسیم‌بندی ابداعی با اقتباس از برخی مقولات مطرح شده در تقسیم‌بندی‌های رایج و افزودن چند مقوله خاص دیگر به آن، ارائه شود. حاصل این بررسی تقسیم‌بندی هشت‌گانه‌ای است که در پی خواهد آمد:

۱. سعید معیدفر و همکاران، تدوین شاخص‌های فرهنگی، ۱۳۸۲.



۱. سیاستگذاری فرهنگی،
۲. آفرینش‌ها و تولیدات فرهنگی - پژوهشی،
۳. هویت فرهنگی (شامل دو مؤلفه هویت دینی و هویت ملی)،
۴. آموزش و تربیت (شامل دو مؤلفه آموزش ارزش‌ها و خدازش‌های اجتماعی و آموزش علمی)،
۵. مشارکت فرهنگی (شامل دو مؤلفه مشارکت زنان، جوانان و مشارکت عامه)،
۶. تأسیسات فرهنگی (شامل دو مؤلفه اماکن تاریخی و بناهای فرهنگی)،
۷. اوقات فراغت و تربیت بدنی،
۸. همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی.

تقسیم‌بندی فوق براساس تمایز در هدفگذاری‌های فرهنگی صورت گرفته است. بدین معنا که مبتنی بر اهداف چندگانه‌ای که در بخش فرهنگ و برنامه‌های توسعه در نظر گرفته شده است. این اهداف یا آرمان‌ها از خلال چهار برنامه توسعه کشور استخراج شده‌اند که عبارتند از:

- الف) شناسایی و تدوین شاخص‌ها و استانداردهای مربوط به توسعه فرهنگی،
- ب) سعی در ارتقای سهم بخش فرهنگ در برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار،
- ج) بودجه‌بندی عادلانه و توزیع متعادل امکانات فرهنگی در تمام مناطق کشور،
- د) نظارت و ارزیابی میزان اثربخشی و توفیق فعالیت‌های فرهنگی.

الف) افزایش کمی و کیفی سطح تولیدات فرهنگی شامل کالاها و خدمات علمی، پژوهشی، هنری و سینمایی،

ب) پرورش خلاقیت و نوآوری در عرصه تولیدات فرهنگی،

ج) اعتلای فرهنگ مکتوب،

د) ثبت و حفظ آفرینش‌های بدیع فرهنگی، گزارش‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و تمامی آثار برجسته علمی - هنری،

ه) برقراری امنیت شغلی برای اصحاب فرهنگ.

الف) شناساندن، حفظ و اعتلای معرفت دینی،

ب) ارتقای آگاهی‌های مذهبی و عقیدتی،



ج) رشد و ترویج ارزش‌های اسلامی،

د) پرورش فضایل اخلاقی با الگوگیری از دستورات مکتب اسلام،

ه) آشناسازی جامعه با اندیشه و سیره و سلوک شخصیت‌های برجسته مذهبی و بزرگان دینی،

و) به‌کارگیری فناوری‌های جدید برای افزایش اثربخشی فعالیت‌های مرتبط با فرهنگ دینی.

.

الف) حفظ و شناساندن عناصر و مؤلفه‌های ملی و بومی هویت ایرانی از جمله زبان فارسی و تمدن

کهن ایرانی،

ب) تلاش برای بازسازی هویت جامعه براساس برداشت‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی.

.

الف) تبیین، ترویج و معرفی الگوهای مناسب زندگی اجتماعی و ارزش‌های عام اجتماعی از جمله

احترام به قانون، ارزش کار، همبستگی و ...،

ب) آگاه‌سازی جامعه از مفاسد و ناهنجاری‌های اجتماعی،

ج) شناخت ترفندها و ابزارهای تهاجم فرهنگی و سعی در خنثی‌سازی آنها.

.

الف) رشد آگاهی‌های عمومی از طریق اطلاع‌رسانی صحیح و تلاش برای سالم‌سازی و توسعه کمی

و کیفی رسانه‌های جمعی به‌عنوان ابزار ارتقای آگاهی‌های اجتماعی،

ب) شناخت و کشف استعدادها و برجسته و پرورش و تشویق نخبگان علمی کشور.

.

الف) مشارکت زنان و جوانان،

ب) افزایش مشارکت عامه.

.

الف) حفاظت از آثار تاریخی - فرهنگی و بافت‌ها و محوطه‌های باستانی و ممانعت از تغییر کاربردی

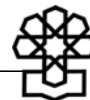
آنها،

ب) شناسایی، مرمت، حراست، احیا و بهره‌برداری از بناهای تاریخی و معرفی آنها به جامعه.

.

الف) ساماندهی، حفاظت، نگهداری و تجهیز بناها و فضاها، فرهنگی، مذهبی و کانون‌ها از جمله

مساجد، گلزارهای شهدا، سینماها، مجتمع‌های فرهنگی، تالارهای نمایش و سایر بناها،



ب) توسعه توانمندی‌های محیط‌های فرهنگی و ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های آنها.

الف) همگانی کردن ورزش، گسترش فعالیت‌ها و اختصاص امکانات به بخش تربیت بدنی،

ب) اصلاح ساختار تربیت بدنی به منظور پرورش جسم اعضای جامعه،

ج) پربرسازی اوقات فراغت عموم،

د) ترویج فرهنگ ورزش و توسعه کمی و کیفی امکانات و امکان دسترسی به ورزش همگانی.

الف) شناساندن فرهنگ ایرانی به جهان،

ب) توسعه گردشگری، افزایش رقابت‌پذیری در بخش گردشگری و ارائه تسهیلات به گردشگران،

ج) ترویج فرهنگ صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر فرهنگ‌ها و تحقق ایده گفتگوی تمدن‌ها.^۱

اگرچه در برنامه‌های توسعه‌ای کشور فرهنگ در معنای حداکثری آن مورد استفاده قرار گرفت است، اما به نظر می‌رسد در بین نهادها و دستگاه‌های متولی فرهنگ در کشور اعم از نهادهای سیاستگذار در سطح کلان همانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی، نهاد قانونگذار (مجلس شورای اسلامی) و نهادها و دستگاه‌های اجرایی همانند وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، آموزش عالی و سازمان‌هایی نظیر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و... تعریف و مقوله‌بندی واحدی از فرهنگ وجود ندارد که روی آن اجماع وجود داشته باشد. بنابراین برای دستیابی به اهداف فرهنگی - چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی - ضروری است، نهادها و دستگاه‌های متولی فرهنگ بر روی تعریفی از فرهنگ به اجماع برسند و براساس آن تعریف به سیاستگذاری در سطوح مختلف بپردازند.

متناظر با هر تعریفی از فرهنگ، مجموعه‌ای از سیاست‌ها را می‌توان طراحی و تدوین کرد و از آنجا که در جوامع جدید هر سه سطح معنایی مفهوم فرهنگ (سطح کلی، سطح میانی و سطح خرد) کاربرد دارد، بنابراین می‌توان سه رده سیاست‌های فرهنگی را از یکدیگر متمایز کرد که تحت تأثیر تعریف فرهنگ است. این سه رده عبارتند از:

- اولین و جامع‌ترین سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌هایی است که با هدف توسعه عمومی جامعه

۱. علی قنبری، ترتب نظام ارزشی در جامعه ایرانی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۵.



طراحی و تدوین می‌شود و مبتنی بر اصول و عناصر بنیادی است که جزء لاینفک نظام دینی، تاریخ و هویت ملی یک ملت محسوب می‌شود و مستقیماً از اعتقادات، ارزش‌ها و آرمان‌ها و ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه الهام می‌گیرد و معمولاً فرادولتی، همیشگی (با توجه به عمر نظام) و همه‌جانبه است، مثل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

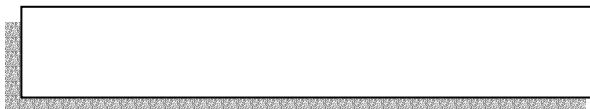
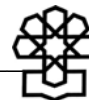
- دومین سطح سیاست‌های فرهنگی، سطحی است که موضوع آن کم و بیش فرهنگ غیرمادی نظیر فعالیت‌های فرهنگی و هنری، فرهنگی دینی، ارتقای ارزش‌های دینی، معارف و دانش‌ها و امثال اینهاست. معمولاً در تمام کشور نهاد مشخصی برای این سنخ از سیاستگذاری فرهنگی وجود دارد که در جمهوری اسلامی ایران نیز، شورای عالی انقلاب فرهنگی عهده‌دار این مسئولیت است. این شورا در قالب گزارشی تحت عنوان «اصول سیاست فرهنگی، اهداف، مبانی، اصول، منبهاات و خط‌مشی» مجموعه سیاست‌های فرهنگی کشور را در سطح میانی مشخص کرده است که در فصل بعد به صورت مفصل بدان پرداخته می‌شود. این مجموعه از سیاست‌ها را می‌توان نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت دانست که برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت فرهنگی را هدایت می‌کند.

- سطح سوم سیاست‌های فرهنگی را می‌توان مجموعه سیاست‌هایی دانست که در چارچوب برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت (برنامه‌های پنج‌ساله) اتخاذ می‌شوند. این سطح از سیاست‌ها معمولاً در بالاترین رده‌های دولت طراحی و تدوین می‌شود. آنچه که در این سطح از سیاستگذاری رخ می‌دهد نوعی گزینش از میان سیاست‌های نوع اول و دوم و انطباق آن با مسائل و مشکلات اولویت‌های فرهنگی موجود یا احتمالی در یک دوره پنج‌ساله است. البته سطح دیگری از سیاستگذاری فرهنگی در کشور ما وجود دارد که مربوط به سیاست‌های اجرایی است که دستگاه‌های متولی امور فرهنگی در هر یک از حوزه‌های خاص فرهنگی و هنری اتخاذ می‌کنند.

با در نظر داشتن سطوح مختلف سیاستگذاری فرهنگی، به لحاظ کارکردی، بهترین وضعیت زمانی است که ارتباط منطقی و معناداری بین سیاست‌های سطوح مختلف وجود داشته باشد، به این معنا که هر سیاست بلندمدت الهام‌بخش یک یا چند سیاست میان‌مدت باشد و هر سیاست در میان‌مدت هم به تدوین یک یا چند سیاست کوتاه‌مدت اجرایی منجر شود. در این صورت مجموعه منسجمی از سیاست‌های فرهنگی خواهیم داشت.^۱

کوتاه سخن اینکه یکی از الزامات کسب موقعیت برتر فرهنگی رسیدن به یک تعریف جامع و مورد توافق نهادهای سیاستگذار، قانونگذار و دستگاه‌های متولی امور فرهنگی در کشور است.

1. سعید معیدفر و همکاران، تدوین شاخص‌های فرهنگی، اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، سال ۱۳۸۲، صص ۶۱-۶۵.



سیاستگذاری فرهنگی نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت است که از آرمان‌ها و ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم بر جامعه الهام می‌گیرد و برنامه‌ریزی میان‌مدت و کوتاه‌مدت را هدایت می‌کند.

«در جمهوری اسلامی ایران، نهاد یا یکی از نهادهای اصلی سیاستگذاری فرهنگی کلان‌نگر، شورای عالی انقلاب فرهنگی (که در ابتدا ستاد انقلاب فرهنگی، بود) وظیفه تدوین اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی و تعیین اهداف و جهت برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و علمی را برعهده دارد. علاوه‌بر شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی که یکی از زیرمجموعه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی است، نیز به‌کار سیاستگذاری کلان‌نگر می‌پردازد.^۱

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جزوه‌ای تحت عنوان «اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» منظور از سیاست فرهنگی را تدوین و تعیین مهمترین اصول و اولویت‌های لازم‌الرعايه در حرکت فرهنگی... و به‌عبارت دیگر نوعی دستورالعمل فرهنگی می‌داند که روشن‌گر حرکت کلی جامعه است، با این هدف که «فرهنگ اسلامی در کلیه شئون فردی و اجتماعی کشور اصل و پایه و نسب قرار گیرد».^۲

صرف‌نظر از بحث پیرامون نهاد یا نهادهای سیاستگذار فرهنگی، سیاست‌های فرهنگی مطلوب الزاماتی را نیز داراست که رعایت آنها اجتناب‌پذیر است. جامعیت و مانعیت داشتن، تشریحی، تحلیلی و تدوینی بودن و همین‌طور تصویری و اعلان شدن آنها از جمله الزاماتی است که رعایت آنها در امر سیاستگذاری فرهنگی ضروری است، البته نمی‌توان انتظار داشت که همه مؤلفه‌های پیش‌گفته در سیاست‌های فرهنگی یک کشور رعایت شود، زیرا برخی از سیاست‌های فرهنگی اصولاً سیاست‌های نانوشته‌ای است که به‌صورت غیرمصوب لازم‌الاجراست و به‌هنگام سیاستگذاری فرهنگی می‌توانند مورد الهام قرار گیرند. نظرات و اندیشه‌های امام (ره) و مقام معظم رهبری در مقوله فرهنگ از جمله این منابع است. لذا قبل از ورود به بحث سیاستگذاری فرهنگی هر دو منبع طرف توجه قرار می‌گیرند.

()

در این بخش برای استخراج اولویت‌های نظری مقوله فرهنگ از دیدگاه امام (ره) و رهبری به اسناد

1. ، صص ۶۵-۶۷.

2. شورای عالی انقلاب فرهنگی، صص ۲ و ۶.



و مکتوبات زیر مراجعه شده است:

۱. بیانات بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره)،

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.

در این بررسی، برای شناخت دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) از روش تحلیل محتوایی استفاده شده است. براساس این روش، گفته‌ها و نوشته‌های حضرت امام (ره) در این زمینه، استخراج و به شیوه‌ای عینی تجزیه و تحلیل شده است. جهت استخراج اولویت‌های فعالیت فرهنگی ابتدا دیدگاه امام خمینی (ره) نسبت به فرهنگ و گستره آن بیان شده است.

()

در عرصه نظری دو دیدگاه غالب در حوزه فرهنگ وجود دارد.

الف) دیدگاهی که فرهنگ را امری تبعی در نظر می‌گیرد و برای آن اصالتی قائل نمی‌شود.

ب) دیدگاهی که به عنوان اصالت فرهنگ شناخته می‌شود و فرهنگ را امری تعیین‌کننده نسبت به عوامل دیگر تصویر می‌کشد.

آنچه از بیانات امام خمینی (ره) مستفاد می‌شود این است که در بُعد نظری در میان دو دیدگاه اصالت فرهنگ یا غیرفرهنگ، ایشان به اصالت فرهنگ معتقد بودند. مرور بیانات ایشان مؤید این معناست:

«بی‌شک بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ، هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشئت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر از آنها امکانپذیر است.»^۱

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰.



«فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ما صالح شد این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد».^۱

«ان‌شاءالله بعد از اینکه استقرار پیدا کرد حکومت اسلامی، نقیصه‌ها را همه با هم باید رفع بکنیم که در رأس آنها فرهنگ است. فرهنگ اساس ملت است؛ اساس ملیت یک ملت است؛ اساس استقلال یک ملت است و لهذا آنها کوشش کرده‌اند که فرهنگ ما را استعماری کنند».^۲

«بزرگترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید بشود برای اینکه بزرگترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد».^۳

«ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم که استقلال فرهنگی پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است».^۴

«درباره فرهنگ هر چه گفته شود کم است و می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم به صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند و به استقلال و آزادی ملت از قیود شیطانی عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشد، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند و نسل آتیه را آنچنان کند که انحراف به‌صورتی زیبا و مستقیم را، راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به‌جای اسلام حقیقی بپذیرد و بر سر خود و کشور خود، آن آورد که در طول ستم‌شاهی و خصوصاً پنجاه سال سیاه بر سر کشور آمده و مجلس و ملت و متفکران متعهد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ از آن‌جمله اصلاح مدارس از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرید و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند».^۵

1. ج ۱، ص ۳۷۳.

2. ج ۶، ص ۴۰.

3. ج ۶، ص ۴۵۲.

4. ج ۱۷، ص ۳۵.

5. ج ۱۷، ص ۲۰۷.



«راه اصلاح یک مملکت فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود. دست استعمار توی فرهنگ ما کارهای بزرگ می‌کند، نمی‌گذارد جوان‌های ما مستقل بار بیایند، نمی‌گذارد در دانشگاه جوان‌های ما درست رشد بکنند، اینها را از بچگی یک‌طوری می‌کنند که وقتی بزرگ شدند اسلام هیچ و آنها همه، همه چیز»^۱.

مرور به مجموع دیدگاه‌های امام (ره) نشان می‌دهد که ایشان اعتقاد به اصالت فرهنگ داشته‌اند. فرهنگی تلقی کردن انقلاب، فرهنگ را اساس هویت و موجودیت جامعه دانستن، شروع استقلال از استقلال فرهنگی، شروع انحراف کشور از انحراف فرهنگی، فرهنگ را در رأس تمدن دانستن، اصلاح فرهنگ را راه اصلاح کشور دانستن و موارد دیگری نشان می‌دهد در نگاه امام خمینی (ره) فرهنگ اصالت دارد و گستره آن را برابر با کلیت زندگی اجتماعی می‌داند.

بررسی دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (ره) نشان می‌دهد ایشان از فرهنگ، معانی مختلفی را ارائه کرده‌اند گاه لفظ فرهنگ را به کار برده‌اند و مراد ایشان دانش، ادب و تعلیم و تربیت است.^۲ گاهی منظور ایشان از فرهنگ، اعتقادات است.^۳ همچنین معانی زیر را فرهنگ مراد کرده‌اند، اخلاق و عمل،^۴ گرایش‌های فکری،^۵ هنجارها،^۶ باورها^۷ ارزش‌ها،^۸ برداشت‌ها و هنر،^۹ بررسی مجموعه مباحث نشان‌دهنده گستره فرهنگ در دیدگاه امام خمینی (ره) برابر با کلیت حیات اجتماعی است.

مطالعه و تبیین دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درخصوص مسائل فرهنگی و برای سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این گزارش سعی شده است کلیه بیانات معظم‌له تا سال ۱۳۸۴ بررسی و اولویت‌های فرهنگی از آن استخراج شود.

اینجانب به مسائل فرهنگی بهای زیادی می‌دهم و اعتقادی راسخ دارم که قوام یک کشور و ملیت یک

۱. ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. ج ۹، ص ۱۸۷، ج ۱۷، ص ۱۱۵، ج ۶، ص ۲۱۹، ج ۷، ص ۲۵، ج ۱۰، ص ۷۶.

۳. ج ۴، ص ۲۸۴، ج ۲۰، ص ۲۷۲، ج ۱۷، ص ۱۱۲، ج ۱۹، ص ۲۰۳.

۴. ج ۱۹، صص ۴ و ۲۰۳، ج ۳، ص ۲۱۴، ج ۷، ص ۲۵.

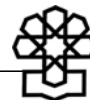
۵. ج ۱۱، ص ۱۱۶، ج ۱۹، ص ۲۰۳، ج ۹، ص ۸ و ص ۲۵۷.

۶. ج ۳، ص ۲۱۴، ج ۱۷، ص ۱۱۲.

۷.

۸. ج ۲، ص ۲۷۲، ج ۹، صص ۸ و ۲۵۷.

۹. ج ۳، ص ۲۱۴، ج ۱۰، ص ۷۶.



ملت به فرهنگ آن ملت است.^۱

فرهنگ در حقیقت همه چیز یک جامعه است. هیچ بنیاد اجتماعی و اقتصادی، بدون اتکا به یک فرهنگ شکل نمی‌گیرد... تجزیه فرهنگی از چیزهایی است که یک جامعه را به سردرگمی و سرگشتگی و اختلال می‌انجامد.^۲

اگر ما بخواهیم توسعه اقتصادی را به معنای صحیح کلمه در جامعه راه بیندازیم، احتیاج به تلاش فرهنگی داریم... اگر ما روی فرهنگ عمومی کار نکنیم، در توسعه اقتصادی خواهیم ماند. این در صورتی است که ما محور را توسعه اقتصادی بگیریم البته در جامعه اسلامی، محور این نیست، توسعه اقتصادی وسیله است. به هر حال، از هر طرف که حرکت می‌کنیم، می‌بینیم که به فرهنگ می‌رسیم و راه‌ها به فرهنگ ختم می‌شود. برای فرهنگ باید کار کرد.^۳

شما فکر می‌کنید که عامل فرهنگی برای رسیدن به آینده چند درصد است. عامل فرهنگی که می‌گوییم در مقابل عوامل گوناگون دیگر، پول، علم، صنعت و ... من تصور می‌کنم عامل فرهنگی درصد بسیار بالایی دارد مثلاً فرض کنید اگر بگوییم ۷۵ درصد عامل فرهنگی مؤثر است، ۲۵ درصد بقیه عوامل به نظر من اغراق نکرده‌ایم... تضمین‌کننده فعلیت‌های آینده، عامل فرهنگی است.^۴

آنچه که امروز می‌فهمیم و احساس می‌کنیم این است که باید مسئله فرهنگ را مسئله اول این کشور به حساب آوریم. ما اگر توانستیم فرهنگ این کشور را با پایه‌های مستحکم و قوی و نهادهای صحیحی که کارآیی لازم را داشته باشند، پشتیبانی و تقویت کنیم، کار این کشور روی غلتک خواهد افتاد؛ پیش‌روی این کشور در همه زمینه‌های مورد نظر تضمین خواهد شد. چنانچه ما فرهنگ را اصلاح و دنبال نکردیم، به احتمال زیاد برنامه‌ریزی‌های ما ابتر خواهد بود؛ یعنی مدتی تلاش می‌کنیم، زحمت می‌کشیم، اما نمی‌توانیم به نتایج قطعی آن امیدوار باشیم. لذا مسئله فرهنگ خیلی مهم است.^۵

1. در محضر ولایت، ص ۱۷۲.

2. ، ص ۴۶.

3. ، صص ۱۱۱-۱۱۲.

4. ، صص ۱۵۱-۱۵۲.

5. ، ص ۱۷۲.



ما اول این را به‌عنوان یک اصل موضوعی بپذیریم که فرهنگ یک جامعه، اساس هویت آن جامعه است... از این فرهنگ همه کارکردها و جهت‌گیری‌ها و تحولات ملت سرچشمه می‌گیرد. بنابراین فرهنگ یک ملت، منشأ عمده تحولات آن ملت است.^۱

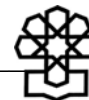
بنده اصرار دارم که در محافل تصمیم‌گیری نظام جمهوری اسلامی یک مقوله مورد توجه قرار بگیرد و آن مقوله فرهنگ است. دغدغه فرهنگی و اهتمام به مسئله فرهنگ، یک وقت، یک حالت حساسیت شخصی است، یک وقت هم ناشی از نگرش به فرهنگ است. حساسیت شخصی و گرایش‌های فردی، آنچنان اهمیت و ارزشی ندارند، آنچه مهم است، این است که ما ببینیم واقعاً فرهنگ چه تأثیری در سرنوشت کشور دارد و پرداختن به مسئله فرهنگ و حساس بودن بر روی آن، برای آینده‌ای که همه ما به آن علاقه‌مندیم و برای آن کار می‌کنیم، چقدر می‌تواند نقش ایفا کند. به نظر ما این‌گونه است که بخش عمده فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا یک جامعه است. رفتارهای جامعه هم که جزء فرهنگ عمومی است و فرهنگ یک ملت است، برخاسته از همان عقاید است. در واقع عقاید یا اخلاقیات رفتارهای انسان را شکل می‌دهند و به‌وجود می‌آورند. خلیقات اجتماعی رفتارهای اجتماعی را به‌وجود می‌آورند و خلیقات فردی، رفتارهای فردی را به‌وجود می‌آورند. بنابراین درست است که مقوله فرهنگ در موارد زیادی شامل رفتارها هم می‌شود، لکن اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از عقیده و برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیقات فردی و خلیقات اجتماعی و ملی و ... بنابراین به‌نظر ما مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک ملت و یک کشور، با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست.^۲

من فرهنگ را در سه عرصه به‌طور مهم و عام مشاهده می‌کنم:

در عرصه تصمیم‌های کلان کشور؛ یعنی فرهنگ به‌عنوان جهت‌دهنده به تصمیم‌های کلان کشور - حتی در تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی یا در تولید - نقش دارد. وقتی ما می‌خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم، در واقع با این کار داریم فرهنگی را ترویج می‌کنیم یا تولید می‌کنیم، یا اشاعه می‌دهیم. وقتی تولید اقتصادی هم می‌کنیم، در واقع داریم از این طریق فرهنگی را تولید می‌کنیم، یا اشاعه می‌دهیم، یا اجرا می‌کنیم. اگر در سیاست خارجی مذاکره می‌کنیم،

1. دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۸.

2. دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۱۹.



تصمیمی می‌گیریم، عیناً همین معنا وجود دارد. بنابراین فرهنگ مثل روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های گوناگون کلان‌کشوری حضور و جریان دارد... بنابراین فرهنگ به‌عنوان جهت‌دهنده به تصمیم‌های کلان‌کشور است.

فرهنگ به‌عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. حرکت جامعه براساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه براساس فرهنگی است که بر ذهن آن حاکم است.

فرهنگ به‌عنوان سیاست‌های کلان آموزشی و علمی دستگاه‌های موظف دولت است.^۱

ما فرهنگ را بستر اصلی زندگی انسان می‌دانیم؛ نه فقط بستر اصلی درس خواندن و علم آموختن، فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است. حرکت سیاسی و علمی‌اش در بستر فرهنگی است. فرهنگ یعنی خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش، اینها تشکیل‌دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است؛ اینهاست که یک ملت را یا شجاع و غیور و جسور و مستقل می‌کند، یا سرافکنده و ذلیل و فرودست و خاک‌نشین و فقیر می‌کند. فرهنگ عنصر خیلی مهمی است. ما نمی‌توانیم از فرهنگ و رشد فرهنگی و پرورش فرهنگی صرف‌نظر کنیم. فرهنگ هم مثل علم است؛ فرهنگ هم گیاه خودرو نیست، همه آنچه شما از نشانه‌ها و مظاهر فرهنگی در جامعه خودتان و در هر نقطه‌ای از دنیا می‌بینید، بدون تردید این بذر را دستی افشاند است. البته انسان بعضی از دست‌ها را می‌بیند و بعضی از دست‌ها را نمی‌بیند؛ از داخل خانه تا درون مدرسه؛ تا فضای خیابان، تا رادیو و تلویزیون، تا ماهواره، تا تبلیغات جهانی، تا اینترنت و از قبیل چیزها، فرهنگ، هدایت و پرورش می‌خواهد، بنابراین در دانشگاه‌ها کار فرهنگی بسیار مهم است.^۲

عزیزان، فرهنگ اساس کار ماست. در واقع فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. بدون شک فرهنگ مثل روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری، به کار تند یا کند و به جهت‌گیری خاص یا به ضد آن جهت‌گیری وادار می‌کند. بنابراین نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع، کالبد بزرگ انسانی است. تسخیر ملت‌ها از طریق تزریق و تحمیل فرهنگ بیگانه، کار تازه شناخته‌ای نیست، بلکه از قدیم بوده است.^۳

1. دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.

2. دیدار با وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.

3. دیدار با اصحاب اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۱۷.



مقام معظم رهبری در بیانات مختلف تعاریف مختلفی از فرهنگ ارائه داده‌اند. مرور مجموعه این تعاریف ما را در رسیدن یک تعریف کلی از فرهنگ یاری خواهد کرد.

۱. فرهنگ هم که می‌گوییم، اعم از نظام فرهنگی - مانند زبان و خط و امثال اینها - یا آنچه باطن و اصل تشکیل‌دهنده پیکره فرهنگ ملی است؛ مثل عقاید، آداب اجتماعی، موارث ملی، خصلت‌های بومی و قومی؛ اینها ارکان و مصالح تشکیل‌دهنده فرهنگ یک ملت است.^۱

۲. فرهنگ محصول تعریف جمعی از یک جامعه است.^۲

۳. مراد ما از فرهنگ، همان ذهنیت‌هاست. هر جا که من تعبیر فرهنگ را به کار می‌برم، مرادم آن معنای عام فرهنگ است، یعنی آن ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند - تسریع، یا کند می‌کند - این حداقل نیمی از عوامل تعیین‌کننده و پیش‌برنده و جهت‌دهنده به همه رفتارهاست.^۳

۴. فرهنگ شامل ادبیات، هنر، علم، عادات و اخلاق جامعه و سنن موجود جامعه و شامل خصلت‌های ملی است... فرهنگ به معنای عامش مورد نظر من است.^۴ بررسی دیدگاه مقام رهبری نشان می‌دهد ایشان نیز همچون امام خمینی (ره) در بعد نظری اصالت را به فرهنگ می‌دهند و فرهنگ را قوام و دوام یک جامعه دانستن، تلاش فرهنگی و استقلال فرهنگی را زیربنای توسعه اقتصادی دانستن، اعتقاد به فرهنگ به عنوان تضمین‌کننده آینده جامعه، فرهنگ را اساس هویت جامعه دانستن و... نشان از اهمیت و جایگاه والای فرهنگ در تحولات جامعه از نظر ایشان دارد. همچنین نگاهی به بیانات ایشان روشن می‌سازد که معظم له گستره فرهنگ را گستره عام می‌دانند و همچون رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) فرهنگ را برابر با کلیت حیات اجتماعی جامعه می‌داند.

()

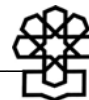
در بررسی مجموعه اولویت‌های موضوعی و روش‌های آنها که از بیانات حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری، اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی و برنامه‌های توسعه قابل استخراج است را می‌توان در ذیل این سه عنوان کلی جمع‌بندی کرد: این سه مقوله در هر چهار برنامه و سند چشم‌انداز بیست‌ساله بارها تکرار شده است.

1. دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳/۱۰/۸.

2. .

3. در محضر ولایت، صص ۲۱۱، ۲۱۰، دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸/۹/۲۳.

4. دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۹/۲۰.



۱. تربیت دینی و تقویت هویت دینی،

۲. تربیت علمی، تلاش و مجاهدت علمی،

۳. تربیت سیاسی و تلاش در جهت جامعه‌پذیری سیاسی.

در ادامه اهداف تفصیلی و مجموعه اقداماتی که در ذیل هر یک از این عناوین قابل استخراج

است، ارائه می‌شود:

- تقویت ایمان مذهبی و رشد عقلانی و ایجاد هماهنگی در رشد فکری و خلوص دینی،
- معرفی معارف اسلامی و منابع و مصادر دینی به دانشجویان به منظور حفظ و صیانت از دیانت و ایمان مذهبی،
- ارتقای سطح بینش اعتقادی نسبت به معارف اسلامی،
- هدایت فکری،
- پرورش روحیه تعبد آگاهانه دینی در آحاد مردم و ترغیب آنها به انجام عبادات و ادای فرایض دینی،
- اشاعه و گسترش فرهنگ نماز و نیایش و مناجات،
- جلوگیری از نفوذ و گسترش اندیشه‌های انحرافی و التقاطی،
- تشویق و ترغیب به خودشناسی، شناخت ابعاد و مراتب تکامل و تنزل انسان و تلاش در جهت خودسازی،
- تلاش در جهت انس هر چه بیشتر با قرآن و بیانات ائمه اطهار (ع)،
- شناساندن هنجارهای شرعی و عرفی در فرهنگ ملی و مذهبی جامعه اسلامی به حفظ و تداوم سنت‌های موافق با احکام و فرهنگ اسلامی و پیراستن ساحت مقدس اسلام از آداب و رسوم خرافی،
- تحریض در بهره‌گیری از مراسم و شعائر اسلامی و اشاعه آداب و رفتارهای سازگار با شریعت،
- معرفی مبانی، اصول، آداب و معیارهای اخلاق اسلامی به ایجاد فضای مناسب و مساعد مذهبی در جامعه،
- تقویت روحیه اجتماعی و تحکیم فضایل اخلاقی براساس فرهنگ متعالی اسلام،
- معرفی مکارم اخلاقی خاندان عصمت و طهارت (ع)،
- احیای سنت‌ها و الگوهای اسلامی،



● تقویت ابعاد فطری، عقلانی و پرورش جنبه‌های فکری و معنوی خصوصاً در جوانان برای تعالی و تکامل،

- معرفی اساس و ارکان هویت ملی، مذهبی و ویژگی‌های ممتاز فرهنگ و تمدن ایران و اسلام،
- پرورش روحیه معنوی و تربیت اخلاقی برای حفظ سلامت اخلاقی،
- تعمیق فرهنگ جهاد و شهادت‌طلبی.

- تشکیل مجامع علمی و مذهبی به‌منظور نقد و بررسی آرای متفکران مسلمان،
- تأسیس کانون قرآن به‌منظور ساماندهی و هماهنگی فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی قرآن کریم،
- برگزاری مسابقات حفظ، قرائت و تفسیر قرآن در سطوح مختلف،
- برگزاری نمایشگاه‌های ویژه جهت شناساندن آداب و سنت‌های اسلامی و شعائر اسلامی،
- برگزاری مراسم اعیاد مذهبی و ایام... جهت تعظیم شعائر مذهبی و آموزش عملی آن در بین جوانان،

- طرح و تدوین روش‌های علمی دستیابی به کمال انسانی به‌منظور هدایت اخلاقی نسل جوان،
- برگزاری جلسات درس اخلاق اسلامی به‌منظور طرح شیوه‌های عملی نیل به کمال انسانی برای جوانان،

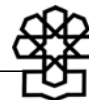
● برگزاری اردوهای تربیتی جهت آموزش عملی آداب معاشرت و اخلاق اجتماعی به معرفی و تبلیغ سنت بزرگان دینی،

- تقویت مراکز مشاوره جهت راهنمایی و هدایت فکری جوانان،
- استفاده از مشاوران و خبرگان مذهبی در هدایت اعتقادی و رفع مشکلات و مسائل مذهبی جوانان،

● فراهم ساختن امکانات و تسهیلات آموزش حضوری، نیمه‌حضوری و غیرحضوری در مباحث اعتقادی،

- تدوین و معرفی سیر مطالعاتی موضوعی در حوزه اندیشه‌های اسلامی،
- برگزاری کنفرانس‌ها و میزگردهای اعتقادی متناسب با سطح دانش و بینش افراد،
- برگزاری مسابقات احکام و معارف اسلامی در سطوح مختلف،
- برگزاری میزگردها و جلسات مشاوره برای پاسخگویی به سؤالات اعتقادی و شبهات دینی جوانان،

- آموزش احکام شرعی متناسب با سطح بینش و اقتضای محیط،
- تنظیم برنامه به‌منظور برقراری ارتباط فکری و فرهنگی با مبلغان و مروجان دین و شریعت،



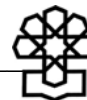
- برگزاری اردوهای برای جوانان به منظور زیارت اماکن متبرکه و دیدار با شخصیت‌های مذهبی،
 - تقویت انجمن‌های اسلامی به منظور هدایت فکری و اعتقادی،
 - تبلیغ و معرفی ویژگی‌های اخلاقی و سلوک اجتماعی امام خمینی (ره) به تدوین برنامه جامع آموزش قرآن متناسب با محیط،
 - آموزش روش‌های عملی در اخلاق اسلامی به منظور تسهیل امر دینداری،
 - آموزش روش‌های ارزیابی روزانه اعمال، سکناات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی،
 - توسعه و تجهیز کانون‌های مذهبی،
 - تهیه و تنظیم سرگذشت علمای اخلاق و اهل تقوا جهت الگوسازی رفتاری برای جوانان،
 - برگزاری جلسات و گردهمایی‌های برای آشنایی با اسوه‌های تقوا و فضیلت در بین علمای اسلامی،
 - تصویر و ترسیم مجاهدت‌های سرداران گمنام هشت سال دفاع مقدس،
 - ایجاد بانک اطلاعاتی در زمینه علوم و معارف اسلامی.
- .
- تقویت بینش علمی دانشجویان در زمینه شناخت دقیق علمی و میزان توانمندی‌های دانش بشری،
 - تأکید بر اهمیت علوم انسانی و معرفی موضوع، روش و غایت آن به دانشجویان،
 - آشنایی دانشجویان با موقعیت، شرایط، ویژگی‌های علمی و فرهنگ معاصر و طرح رابطه آن با فلسفه و شریعت،
 - تقویت روحیه تحقیق و تتبع در جوانان به منظور توسعه و گسترش مرزهای دانش و صنعت،
 - تلاش در جهت رشد و ارتقای دانش و آگاهی‌ها در زمینه پیشرفت‌های علمی،
 - آگاهی نسل جوان از شیوه‌های راهیابی به راه‌حل‌های علمی - کاربردی در رفع مشکلات و نیازهای اجتماعی،
 - توجیه و تفسیر نقش ایمان در توفیقات دانشمندان و ترغیب جوانان به آمیختن تعهد دینی و دانش تخصصی در تحقیقات علمی،
 - آشنایی با روش‌های تحقیق و شیوه‌ها و فنون به‌کارگیری آنها در تحقیقات و تبعات علمی،
 - افزایش دانایی و توانایی دانشجویان در استفاده مطلوب از تجارب مفید علمی و صنعتی جهان معاصر،
 - اهتمام نسبت به شناسایی و کشف استعداد‌های جوان و جذب و هدایت آنان در جهت سازندگی



فکری و رشد و شکوفایی علمی،

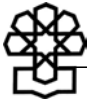
- ایجاد فضای فرهنگی مناسب به منظور تقویت خودباوری و اعتماد به نفس جوانان در پرداختن به مسائل علمی،
- ایجاد انگیزه در بین دانشجویان نسبت به نوآوری، ابتکار و اختراع در عرصه فعالیت‌های علمی، فنی و صنعتی مطابق با نیازهای جامعه،
- تشویق دانشجویان به مطالعه و تحقیق،
- تسهیل ارتباط دانشجویان با مراکز صنعتی و حرفه‌ای برای کسب تجربه و ایجاد تحولات اساسی در صنعت و کشاورزی،
- آموزش اخلاق حرفه‌ای و تعهد به کار،
- فراهم ساختن امکان رشد توانایی‌های یادگیری و پرورش استعدادهای ذهنی و عقلی،
- تقویت بنیه علمی و توان فکری دانشجویان در جریان آموزش‌های عمومی و تخصصی،
- شناخت نیازها و اولویت‌های اجتماعی در فراگیری علوم و رفع مشکلات و معضلات اجتماعی.

- توسعه آموزش‌های غیررسمی به منظور تسهیل امر تعمیم دانش و معرفت در سطح جامعه،
- تدوین سیر مطالعاتی موضوعی به منظور آشنایی دانشجویان با مفاهیم اساسی علم،
- توسعه و تقویت انجمن‌های علمی،
- برگزاری سمینارها و کنگره‌های علمی و فرهنگی در زمینه شیوه‌های ارتقای علوم در بستر فرهنگ اسلامی،
- برگزاری جلسات آشنایی جوانان با فرهنگ و تمدن اسلامی و دانشمندان اسلامی،
- آشنایی جوانان با نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بازسازی تمدن غربی،
- توسعه و تقویت بانک‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌های عمومی جهت رفع نیازهای علمی و پژوهشی،
- فراهم ساختن امکانات بازدید دانشجویان از مراکز تحقیقاتی در زمینه علم و تکنولوژی،
- انتخاب کتاب سال دانشجویی از آثار تحقیقی و تألیفات علمی دانشجویان،
- آشنایی دانشجویان با نیازهای تحقیقاتی دستگاه‌های اجرایی کشور،
- برگزاری نمایشگاه‌های سالیانه از ابتکارات و نوآوری‌های جوانان (دانش آموزان و دانشجویان)،
- نشر مجلات علمی بر محور مقالات علمی و پژوهشی،
- برنامه‌ریزی جهت آموزش استعدادهای درخشان و اعزام به المپیادهای علمی،
- برگزاری مسابقات علمی بین دانش‌آموزان و دانشجویان و تشویق آنها به نوآوری و خلاقیت علمی،



- معرفی دانش‌آموزان و دانشجویان نخبه و مستعد و آثار و فعالیت‌های علمی آنان در سطح جامعه علمی و تحقیقاتی کشور،
- ایجاد کانون مخترعان و مبتکران در دانشگاه،
- برگزاری جشنواره‌های علمی جهت تقدیر و تشویق استعدادهای برتر و معرفی آثار و پایان‌نامه‌های برتر،
- برگزاری مراسم یادمان دانشمندان، مخترعان، مبتکران و نوابغ تاریخ علم در ایران و جهان،
- برگزاری اردوهای بازدید از موزه‌های علمی و تحقیقاتی.

- تعمیق بینش سیاسی و افزایش درایت و هوشیاری نسبت به تغییرات و تحولات سیاسی،
- شناساندن سیستم حکومتی اسلام و اصول ارزشی حاکم بر روابط سیاسی داخلی و خارجی در نظام جمهوری اسلامی ایران،
- ایجاد حساسیت‌های سیاسی جوانان نسبت به امور سیاسی و سرنوشت اجتماعی مردم،
- تعمیم فرهنگ مشارکت و جامعه‌پذیری و تشویق آنان نسبت به احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی،
- ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری در جوانان نسبت به سرنوشت اجتماعی مردم و کوشش به‌منظور احقاق حق و ابطال باطل،
- تبیین و تفسیر رابطه دین و سیاست از دیدگاه اسلام و مقایسه آن با تفکر غربی،
- آگاه ساختن جوانان به علل و عوامل و شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تحلیل وقایع مهم اجتماعی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران،
- تشویق جهت تداوم و استمرار جهاد و مبارزه با استکبار جهانی،
- شناساندن شرایط سیاسی و اجتماعی و آگاهی از روش‌های تحلیل صحیح و خردمندانه مسائل و وقایع سیاسی،
- تقویت روحیه انتقادی نسبت به نقد و تحلیل مسائل اجتماعی در شرایط مهم سیاسی،
- ایجاد فرصت برای جوانان در ابراز عقیده و اظهار اندیشه و بهره‌گیری از انتقادات و تذکرات مفید و سازنده آنها،
- افزایش آگاهی جوانان نسبت به وقایع و جریان‌های سیاسی داخل و خارج از کشور،
- معرفی شگردهای استعمار و روش‌های مبارزه با ترفند استکبار، نظام سلطه جهانی و صهیونیسم



بین‌الملل،

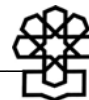
- ایجاد حساسیت در جوانان جهت حفظ استقلال و تکیه بر فرهنگ خودی،
- تلاش در جهت حفظ و ارتقای هویت ایرانی-اسلامی.^۱

سیاست فرهنگی، سیاستی است که به آرمان‌ها و آرزوهای یک ملت، امکان تجسم و تجلی می‌بخشد.

۱. کوشش در راه نیرومندتر ساختن همبستگی ملی،
 ۲. نیرومند ساختن جنبه‌های آفرینش فردی و گروهی جمعیت،
 ۳. شناخت آرمان‌های ملی و خواسته‌های محلی،
 ۴. بسیج روانی و قرار دادن افکار عمومی در مسیر آرمان‌های ملی،
 ۵. برتر انگاشتن سیاست فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها،
- در زیر توضیحات بیشتری در مورد هریک از ویژگی‌های فوق ارائه می‌شود:^۲

تقویت پیوندهای مشترک در میان مردم، نگاهبانی از پیوندهای مردمان درون و برون از مرز، پاسداری از زبان، لهجه، آداب و رسوم در کنار زبان، آداب و رسوم ملی، از مهمترین وظایف سیاست فرهنگی است. فرهنگ ملی، فرآیند نیروی خلاقه یک ملت است. این فرآیند، برآمده از گسترش استعدادهای فردی و گروهی و گزینش بر پایه ویژگی‌های مشترک ملی است. از این‌رو، هراندازه موجودیت جغرافیایی و انسانی یک ملت، مجتمع‌تر و هم‌بسته‌تر باشد، امکان بروز استعدادها بیشتر است. هر اندازه، هم بستگی‌های گروه‌های وابسته به فرهنگ ملی بیشتر باشد، فضای فرهنگی فعال‌تر و گزینش‌های آن با روح فرهنگی آن ملت، منطبق‌تر خواهد بود. برای مثال: رواج و گسترش شعر پارسی، از نظر کمیت، بستگی به گستره قلمرو زبان پارسی، دارد. هر اندازه مردمان بیشتری با زبان پارسی آشنا باشند، احتمال آنکه شعر بیشتری به پارسی سروده شود، فزون‌تر خواهد بود، اما کیفیت شعر رواج‌یافته، بستگی به چگونگی همبستگی شاعران، دارد. هر اندازه گویندگان شعر با هم آمیزش داشته و به‌کار و هنر یکدیگر آشناتر باشند، سطح گزینش شعری آنان نیز بالاتر خواهد بود. شعرهایی که در چنین محیط ادبی، پذیرفته و رواج می‌یابد، دارای

1. بررسی وضعیت فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجری جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
2. سید احمدحسینی، بررسی میزان تحقق اهداف فرهنگی در برنامه اول و دوم توسعه کشور، ۱۳۷۸.



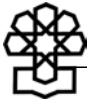
کیفیت ارزنده‌تری خواهد بود.

علقه‌های سیاسی، اجتماعی و معنوی گروه‌های وابسته به یک فرهنگ، شرط اساسی برای گسترش، نیرومندی و تکامل آن فرهنگ است. از این رو، سیاست فرهنگی باید معطوف به تقویت پیوندهای مشترک میان مردم باشد. در این میان، برخی عناصر پیونددهنده، دارای ارزش بیشتر و جامعیت فزون‌تری هستند. سیاست فرهنگی، باید این پیوندها را شناخته و برای آنها، اولویت قایل شود. جشن‌ها، سنت‌ها، آداب، زبان و ادبیات... از عناصری هستند که گروه‌های مردم را به یکدیگر پیوند می‌دهد. از میان این عناصر، آنهایی که بر عواطف اصیل‌تری متکی هستند و در نتیجه دارای قلمرو پهناورتری هستند، باید مورد توجه ویژه قرار گرفته و از همه وسایل برای تقویت آنها، استفاده شود.

. علاقه‌های مذهبی، ادبی و علمی، ممکن است وابستگی یک ملت را که در یگان‌های سیاسی گوناگون قرار گرفته‌اند، به هم پیوند دهد. در این فرآیند، پرستاری و تقویت این‌گونه علاقه‌ها، پیوند گروه‌های مردم را بیشتر کرده و بر نیرومندی فضای فرهنگی ملت، می‌افزاید. از سوی دیگر، در درازای زمان در میان هر ملت، صرفنظر از فرهنگ مشترک ملی، زبان، لهجه، آداب و رسوم محلی نیز به وجود می‌آید. آداب و رسوم محلی، وابسته به بخشی از روحيات ملی است. مجموعه آداب و رسوم محلی، سرمایه‌های فرهنگی هر ملت است.

وظیفه سیاست ملی آن است که در گردآوری، نشر و گسترش آداب و رسوم مزبور کوشش کند، زیرا با نشر آداب و رسوم محلی است که دیگر وابستگی آن ملت و فرهنگ، با جلوه‌هایی از روح خود، آشنا می‌شوند. چه بسا، برخی از آداب و رسوم مزبور در اثر نشر و ارائه، همگانی شوند. بدین‌سان، آداب و رسوم مزبور از ردیف محلی بیرون آمده و به آیین‌های مشترک آن ملت بدل می‌گردند. اگر چه از لزوم گسترش زبان رسمی و ملی، نباید لحظه‌ای تردید کرد، اما زبان‌ها و لهجه‌های محلی نیز باید به صورت علمی مورد توجه و علاقه قرار گیرد. باید گروه بیشتری از دانش‌پژوهان با آن آشنایی پیدا کرده و از واژه‌های هم‌ریشه برای غنی‌تر کردن زبان رسمی، بهره گرفته شود. گسترش آداب و رسوم در سطح ملی، سبب می‌شود تا آنچه با ویژگی‌های کلی فرهنگ ملی همسانی دارد، گزیده شده و رواج عام یابد و آنچه که برگزیده نمی‌شود، به محیط‌های ویژه خود محدود شده یا رفته‌رفته در همان محیط‌ها نیز به دست فراموشی سپرده شود.

برای ساختن بهتر، نیاز به سازندگان بهتر است. از مهمترین وظایف سیاست فرهنگی، فراهم کردن امکان شکوفایی استعدادهای فردی و گروهی است. از اصول مهم سیاست فرهنگی، فراهم ساختن



موجبات رشد و شکوفایی ابتکارهای فردی و گروهی است. فرهنگ، مجموعه‌ای از تجلیات گوهر انسانی است. هدف آموزش و پرورش، باید تربیت و بیدار ساختن گوهر انسان باشد. اما، تنها پرورش استعدادها، کافی نیست. اجتماع باید مجال و فرصت آن را پدید آورد تا استعدادهای مفید انسانی به‌صورت آثاری از خلاقیت و آفرینش، پدیدار شوند.

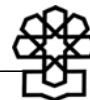
بسیاری از آثار مفید و ارزنده جامعه بشری، فرآیند کار فردی است. اما تعداد بیشتری، نتیجه کارهای گروهی است. با پدید آوردن سازمان‌های شایسته و تربیت اجتماعی مناسب در زمینه کارهای گروهی، اجتماع قادر خواهد بود که فرصت‌های خوب را در اختیار افراد ممتاز قرار دهد و از میوه استعداد آنها، بهره‌مند شود.

در این جهان کشورهایی وجود دارند که دارای افراد با استعداد، تحصیل‌کرده و متخصص قابل ملاحظه‌اند، اما زمینه‌های همکاری جمعی در کشورهای مزبور میسر نیست. از این‌رو، استعدادها، نه تنها فرصت خودنمایی پیدا نمی‌کنند، بلکه افراد و سازمان‌های آن کشور، تا حد زیادی موجب بازداشتن دیگران از فعالیت‌های مفید و ثمربخش، می‌شوند.

سیاست فرهنگی، معطوف به بزرگترین سرمایه هر ملت، یعنی استعدادهای نهفته در افراد آن ملت است. هدف اساسی این سیاست، عبارت است از کشف، تربیت، رشد و سرانجام بهره‌برداری از این استعدادها در راستای سود ملی است.

برای شناخت آرمان‌های هر ملت، باید قالب فرهنگ آن ملت را مورد شناسایی قرار داد. از دیگر اهداف سیاست ملی، شناخت آرمان‌های برخاسته از کل موجودیت ملت و عرضه آن بر همگان است. آرمان‌هایی که از کل موجودیت ملی، برمی‌آید، در حقیقت فرآیند زندگی و فرهنگ گذشته آن ملت و نماینده استعداد و ظرفیت همان ملت در آینده است. در نتیجه عرضه آرمان‌های ملی از سوی سیاست فرهنگی و دریافت آن از سوی مردم، به یک هدف و خواست همگانی بدل می‌شود.

هرگاه این گزینش، بدون بررسی و شناخت ناسیونالیسم انجام گیرد، نمی‌تواند در میان جمعیت نفوذ کرده و اثرگذار باشد. هر اندازه برای تبلیغ آرمان‌های غیرملی میان یک ملت کوشش کنند، اثر آن بی‌دوام خواهد بود. کوتاه سخن، هدف سیاست فرهنگی، شناسایی علمی آرمان‌های ملت است. آرمانی‌های هر ملت که در قالب فرهنگ آن ملت نهفته است، تنها با روش‌های علمی قابل شناخت است. هرگاه با این روش‌ها، آرمان‌های ملی شناخته شوند، حرکت به سوی آن آرمان‌ها، موجب حرکت عمومی مردم در راه سازندگی و رفاه می‌شود و ملت با گام‌های بلند و استوار در راه تجلی استعدادهای خود، پیش خواهد رفت.



تنها، هنگامی که ملت بتواند، دولت را به میل خود شکل دهد، افکار عمومی در مسیر آرمان‌های ملی قرار می‌گیرند. اجتماع هر ملت، در هر مرحله‌ای از زندگی، نیازهای ویژه‌ای دارد. گاه این نیازها، از سوی حکومت‌گران نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مراحل، ملت با گام‌های بلند پیش می‌رود و از حمایت همراه با ایمان و شور و شوق مردم، برخوردار می‌شود. بررسی تاریخ نشان می‌دهد که شناخت آرمان‌های ملی که برخاسته از نیازهای ملی است، بیشتر حالت اتفاقی داشته است. بدین معنا که هرگاه سلیقه حاکم یا حاکمان، منطبق با این آرمان بوده، دوران شکوفایی آن جامعه فرا رسیده و برعکس، زمانی که سلیقه رهبران اجتماعی در مسیر دیگری قرار داشته، اجتماع، مسیر انحطاط را پیموده است. از این‌روی، بر پایی نظام مردم‌سالاری و قرار دادن «دولت» در مسیر خواسته‌های ملت، از مهمترین و اصلی‌ترین تدبیرها برای شکوفایی فرهنگ، رشد و بهروزی ملی است.

بشر امروز، حتی درباره جزئی‌ترین مسائل، به دانش ژرفی دست یافته است. اما، شگفتا که درباره عالی‌ترین جلوه وجود، یعنی ملت و قوانین بقا و شکوفایی آن، هنوز به کوشش جمعی دست نیازیده است.

سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، باید در قالب سیاست فرهنگی مورد بررسی و در نتیجه، اثبات یا نفی قرار گیرد.

سیاست فرهنگی دربرگیرنده آرمان‌شناسی و آرمان‌خواهی است. بدین‌سان، سیاست فرهنگی، سیاست جغرافیایی و سیاست جمعیت را نیز دربرمی‌گیرد. اگر گفته می‌شود که در تنظیم سیاست‌ها، از جمله سیاست اجتماعی و سیاست اقتصادی باید به هدف‌های سیاست فرهنگی اولویت داده شود، مقصود نهایی سیاست ملی است که باید از اولویت برخوردار باشد.

در عصر ما، به دلایل گوناگون، عقایدی حاکم است که بر پایه اصالت سیاست اقتصادی استوار است. به گفته دیگر، پذیرش برتری سیاست اقتصادی بر دیگر سیاست‌ها در بیشتر موارد، عادت بر این است که هرگاه تدبیری در چارچوب منطق اجتماعی یا اقتصادی موجه شناخته شود، آن را کافی می‌دانند. در صورتی که این برداشت از نظر منطق علم ناسیونالیسم، درست نیست. هرگاه اصالت را برای سیاست فرهنگی قائل شویم و تدبیرهای اجتماعی یا اقتصادی را در این راستا بسنجیم، مسئله شکل دیگری پیدا خواهد کرد. تدابیر اقتصادی یا اجتماعی، باید تا جایی که آثار آنها بر جنبه اصلی سیاست ملی، یعنی سیاست جغرافیایی، سیاست جمعیت و سیاست فرهنگی آشکار شود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.



تجزیه و تحلیل آثار یک تدبیر، تنها از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی کافی نیست. تجزیه و تحلیل‌ها باید از مرز «آرمان‌شناسی» و «آرمان‌خواهی» سیاست فرهنگی، گسترش یابد. همیشه باید برای نقطه‌نظرهای فرهنگی در برابر منظوره‌های اقتصادی و اجتماعی، برتری قائل شد. زیرا، دیدگاه‌های سیاست فرهنگی، دربردارنده نکاتی است که رعایت آن موجب بقا و پیشرفت کل موجودیت ملت می‌شود.

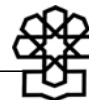
آنچه در بالا بیان شد ویژگی‌های کلی سیاست فرهنگی است که با توجه به آن در زیر به اولویت‌ها و اصول سیاست فرهنگی پرداخته می‌شود.

«یکی از مهمترین وظایفی که براساس انقلاب فرهنگی برعهده شورای عالی انقلاب فرهنگی گذاشته شده است. سیاستگذاری، هدایت و مدیریت کلان فرهنگی کشور است»^۱.
سیاستگذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد یک نهاد اجتماعی در امور فرهنگی استیلا دارند. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان‌یافته از اهداف نهایی بلندمدت، میان‌برد، قابل‌سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را دربرمی‌گیرد.^۲
بررسی اسناد مکتوب نشان می‌دهد تنها متن مکتوب که برای وضع و تدوین سیاست‌هایی در حوزه فرهنگ به کار می‌آید، «اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» است که در تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است. در مقدمه این متن آمده است: سیاست فرهنگی، سیاست انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی بدین معناست که فرهنگ اسلامی در کلیه شئون فردی و اجتماعی کشور اصل، پایه و مبنا قرار گرفته است. همچنین تأکید دارد که سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی گرفته شده است و مبتنی بر مبانی و مفاهیمی از این قبیل است:

۱. حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی.
۲. نقش و تأثیر بنیادی اعتقاد به اصول و فروع دینان در جامعه اسلامی.
۳. جاودانگی وجود انسان و کرامت و شرافت ذاتی او به‌عنوان خلیقه‌ا... و امانت‌دار خداوند، صاحب اراده و اختیار، دارای قدرت تعقل و انتخاب در جریان سرنوشت و نیز نقش عقل و تجربه در استمرار حرکت تکاملی وی.
۴. برخورداری انسان از فطرت الهی.

۱. تحلیل وضع موجود دستگاه‌ها و نظام فرهنگی کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، طرح ساماندهی امور فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۴۰.

2. Edgar and Sedgwick, 1999



۵. همانندی و برابری انسان‌ها در آفرینش و عدم تمایز بین رنگ‌ها و نژادها و صنوف دیگر انسانی.
 ۶. جهان‌شمول بودن پیام اسلام و دعوت انسان‌ها به همکاری و تعاون همگانی در انجام کارهای نیک و انسانی.
 ۷. سرنوشت مادی و معنوی بشر و قابلیت رشد و شکوفایی وی در همه وجوه و زمینه‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، جسمی و روحی، عقلی و عاطفی و ملازمه این وجوه با یکدیگر.
 ۸. خیرخواهی، کمال‌جویی، آرمان‌خواهی، ظرفیت علمی نامحدود و کشش فطری انسان به سوی علم و دانایی، جمال و زیبایی، تقدیس و پرستش و خیر اخلاقی.
 ۹. تربیت‌پذیری آدمی و به فعلیت درآمدن استعدادها و خلاقیت‌های وی در طریق پی‌ریزی بنای جامعه‌ای موحد، عدالت‌خواه، دانش‌طلب، متکی بر جهاد و اجتهاد، متصف به اعتدال و واقع‌بینی و نیز بهره‌مند از مباحث فکری، نقادی‌ها و تحقیقات علمی، عبرت‌آموزی‌ها و تجربه‌اندوزی‌های تاریخی.
 ۱۰. اصالت ارزش‌های معنوی و فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی و جایگاه والای تقوی، علم و جهاد در تعیین مرتبه کرامت و فضیلت انسان‌ها.
 ۱۱. تأثیرپذیری انسان از عوامل مثبت و منفی محیط اجتماعی و آفات و موانع فرهنگی آن.
 ۱۲. مسئولیت نظام اسلامی در سالم‌سازی محیط، تحقق قسط و عدل، تأمین حق مشارکت مردم در همه امور با توجه به لزوم زدودن عوامل زمینه‌ساز کفر و نفاق، فقر و فساد، ظلم و استبداد، سلطه و استکبار.
 ۱۳. اندیشه و دیدگاه‌ها و فتاوی حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان بهترین شاخص و معرف اسلام ناب محمدی (ص) و تمییز آن از انواع و اشکال مختلف اسلام‌نمایی در داخل و خارج کشور بر سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران حاکم است.
- با توجه به اینکه در قسمت اهداف سیاست فرهنگی اولین هدف از تدوین اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تعیین و تدوین اصول راهنما و اولویت‌های لازم‌الرعايه در حرکت فرهنگی کشور و رسمیت دادن به آن ذکر شده است، بنابراین فعالیت فرهنگی در کلیه سطوح جامعه باید در چارچوب این اصول قدم بردارد.
- اصول سیاست فرهنگی عبارتند از:
- بازشناسی و ارزیابی مواریت و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی و هنری و فرهنگ عمومی، و نگهبانی از آثار و مواریت اسلامی و ملی و حفظ و احیای دستاوردهای مثبت و ارزشمند تمدن اسلام در ایران.
- شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی



شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران.

ارتباط فعال با کشورهای و ملت‌ها و تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و ملل دیگر جهان.

شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی با بهره‌گیری از کلیه روش‌ها و ابزارهای مفید و مناسب.

تحکیم وحدت ملی و دینی با توجه به ویژگی‌های قومی و مذهبی و تلاش به‌منظور حذف موانع وحدت.

تلاش مستمر برای رشد علمی، فرهنگی و فنی جامعه و فراگیر شدن امر سواد و تعلیم و تربیت.

اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی، تقویت، ترویج و گسترش آن.

بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها و حمایت از ابتکارات و ابداعات.

پاسداری از حریت و امنیت انسان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، قضایی و اقتصادی.

فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق و بهره‌گیری از نتایج آن در همه زمینه‌ها.

تقویت فکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی و تعارض افکار.

مقابله با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری، مقدس‌مآبی و ظاهرگرایی و مقابله با افراط در تجددطلبی و خودباختگی در برابر بیگانگان تحت شعار واقع‌گرایی.

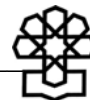
ترویج روحیه قیام به قسط و عدالت اجتماعی.

ارزش دادن به کار و اهمیت بخشیدن به تلاش برای استقلال و خوداتکایی در عین التزام به کفاف، قناعت و مبارزه با روحیه اسراف و تبذیر.

پرورش روح و جسم با اهتمام همه‌جانبه به امر ورزش و تربیت بدنی به‌عنوان یک ضرورت مهم اجتماعی.

تقویت، احیا و معرفی هنر اصیل و سازنده در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌های سازگار با روح تعالیم اسلامی.

اهتمام و اقدام همه‌جانبه به‌منظور شناخت نیروها و نیازها و مقتضیات جسمی و روحی نسل جوان کشور و فراهم‌آوردن زمینه‌های مناسب و مساعد برای تکامل و تعالی شخصیت علمی و عقیدتی جوانان و مسئولیت‌پذیری و حضور مستقیم و مشارکت هر چه بیشتر آنان در عرصه‌های



مختلف حیات فردی و اجتماعی.

تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن مسلمان به‌عنوان مادر و ترویج و فراهم‌آوردن زمینه‌های لازم برای ایفای نقش و رسالت اساسی خود به‌عنوان مربی نسل آینده و اهتمام به مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری و سیاسی و مبارزه با بینش‌ها و اعتقادات نادرست در این زمینه.

گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی و همچنین حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات غیردولتی به‌منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه امور فرهنگی با نظارت دولت.

اتخاذ سیاست‌های ایجابی و مثبت در امور فرهنگی، هنری، اجتماعی و ایجاد مصونیت برای افراد و جامعه و اهتمام به جاذبه، رحمت، جامع‌نگری، دوراندیشی، شور، مشورت و پرهیز از خشونت، شتابزدگی، یک‌سونگری و استبداد رأی.

آموزش و تشویق تقویت روح اجتماعی و مقدم داشتن مصالح جمعی بر منافع فردی، احترام گذاشتن به قانون و نظم عمومی به‌عنوان یک عادت و سنت اجتماعی و پیشقدم بودن دولت در دفاع از حرمت قانون و حقوق اشخاص.

تلاش برای شناخت و معرفی ارکان هویت اصیل دینی و ملی به‌منظور این هویت و همچنین به‌منظور استحکام و استمرار استقلال فرهنگی.

گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی برای دعوت به خیر و همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر بر مبنای حکمت، موعظه حسنه، شرح صدر و جدال به آنچه احسن است.

توسعه و اعتلای تبلیغات فرهنگی و هنری به نحو مناسب به‌منظور ترویج و تحکیم فضایل اخلاقی.

توجه به فرهنگ و هنر روستا به‌منظور بالا بردن سطح فرهنگی در روستاها و همچنین تقویت خلاقیت‌های اصیل و با ارزش روستایی و عشایری.

همانطوری که ملاحظه شد در بین اصول سیاست فرهنگی فوق که برگرفته از جهان‌بینی اسلامی است، در اصل سوم بر ارتباط فعال با کشورها و ملل دیگر به‌منظور تحکیم پیوند مودت و اصل چهارم بر شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری دیگر ملت‌ها تأکید دارد؛ همچنین در اصل هشتم بر تقویت، ترویج و گسترش زبان فارسی تأکید شده است. با توجه به نکات بیان شده می‌توان گفت فعالیت فرهنگی در بعد بین‌المللی در سیاست فرهنگی کشور دارای جایگاه ویژه‌ای است.



چنان‌که که پیش‌تر بیان شد، سیاست فرهنگی، توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان، متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین اولویت‌های لازم در حرکت فرهنگی کشور است. سیاست فرهنگی اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه علائم و نشانه‌هایی است که مسیر حرکت فرهنگی جامعه را نشان می‌دهد. در واقع براساس مفاد قانون اساسی، سیاست فرهنگی کشور همان سیاست انقلاب اسلامی است و باید در کلیه شئون فردی و اجتماعی کشور اصل و پایه قرار گیرد. بدین‌منظور ضمن شرح اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی اقدام به تبیین اهداف سیاست فرهنگی کرده و از این‌گذر اقدام به تعیین اولویت‌ها و سیاست‌های کلی فرهنگی منبعت از اصول فرهنگی خواهیم کرد.

۱-۱. رشد و تعالی فرهنگ اسلامی و انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان.

۱-۲. استقلال فرهنگی و زوال مظاهر منحنط و مبانی نادرست فرهنگ‌های بیگانه و مصونیت جامعه از نفوذ آن.

۱-۳. به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در همه شئون و به فعلیت درآمدن استعداد‌های خداداده و استحصال ذخایر وجودی انسان.

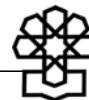
۱-۴. آراسته شدن به فضایل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به انسان متعالی.

۱-۵. تحقق کامل انقلاب فرهنگی به معنای دگرگونی دیدگاه‌ها و ارزش‌های معنوی و معیارهای ارزشگذاری در زندگی فردی و اجتماعی و استمرار حرکت فرهنگی در جهت تحقق جامعه مطلوب. چنان‌که در اولین بند اهداف فرهنگی کشور ملاحظه می‌شود یکی از اهداف فرهنگی کشور بسط پیام فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان است.^۱

۲-۱. تعیین و تدوین اصول راهنما و اولویت‌های لازم‌الرعايه در حرکت فرهنگی کشور و رسمیت دادن به آن با الهام از آرمان‌ها و اعتقادات، با توجه به ظرفیت‌ها و واقعیات، با بهره‌گیری از تجربیات داخلی و جهانی و امکانات و ابزارهای مختلف و مناسب.

۲-۲. ایجاد وحدت‌رویه و هماهنگی در میان دستگاه‌های مختلف جمهوری اسلامی و بسیج امکانات، تلاش‌ها و برنامه‌های فرهنگی در جهت پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جامعه و هدایت تلاش‌ها و

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تعیین فعالیت‌های مورد نیاز برای تحقق اصول سیاست‌های فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۰.



نیازهای موجود.

۲-۳. تکیه و تأکید بر آرمان‌ها و ارزش‌های معنوی و فرهنگ اسلامی و ملی با توجه به لزوم درک اقتضائات و تحولات زمان و همچنین تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف و مهیا شدن برای مواجهه صحیح و همه‌جانبه با ضرورت‌ها و تحولات.

۲-۴. تدارک لازم به‌منظور هم‌سویی و عدم مغایرت طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و غیرفرهنگی، اما دارای نتایج فرهنگی با سیاست‌ها فرهنگی کشور.

۲-۵. تسهیل و تقویت امر برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی فرهنگی در عین حمایت تعدد، تنوع و آزادی فعالیت‌های فرهنگی مردمی، مبادله و ارتباط فرهنگی میان بخش‌های دولتی و غیردولتی به‌منظور افزایش تحرک فرهنگی، ارتقای دانش و آگاهی عمومی و اعتلای روحیه تتبع تحقیق و ابتکار.

۳-۱. اولویت دادن به کودک و نوجوان و جوان، همچنین محرومان و مناطق محروم در برنامه‌های فرهنگی و هنری داخل کشور.

۳-۲. اولویت دادن به کشورها و مجامع اسلامی و ایرانیان، در برنامه‌های فرهنگی و هنری خارج کشور.

۳-۳. اولویت دادن به آموزش و تربیت نیروی انسانی و پرورش استعدادها و خلاقیت‌های فرهنگی هنری در جهت یکنواخت کردن فرهنگ.

۳-۴. اولویت دادن به حمایت‌های معنوی و مادی از مراکز و فعالیت‌های فرهنگی و هنری و تأمین اجتماعی و فرهنگ‌سازان و هنرمندان و تشویق آنان به گسترش آفرینش‌ها و ابداعات فرهنگی هنری.

۳-۵. اولویت دادن به اعتلای مقام زنان در سطح کشور با توجه به مکانیت والای زن در بینش اسلامی و نقش محوری زن مسلمان در تحکیم مبانی خانواده و برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و هنری.

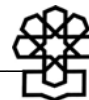
۳-۶. ایجاد زمینه‌های مناسب برای بهره‌گیری مطلوب فرهنگی و هنری و تفریحی جامعه از اوقات فراغت خود.

۳-۷. توسعه ظرفیت‌ها و مراکز فرهنگی با توجه به آرمان‌ها و نیازهای توسعه ملی و جلوگیری از تنزل نسبت به ظرفیت‌ها و مراکز موجود با جمعیت کشور.

۳-۸. هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌های مردمی به‌منظور تأمین نیازهای عمده بخش فرهنگ که می‌تواند به‌صورت همگانی اجرا شود.



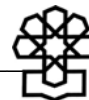
- ۹-۳. سازماندهی و ترویج بازار محصولات فرهنگی و هنری و کمک به شبکه‌های توزیع.
- ۱۰-۳. بازسازی، نوسازی، تجهیز و توسعه ظرفیت‌های موجود در تأسیسات و منابع فرهنگی و هنری و ارتقای تکنولوژی و هماهنگی ارتباط جمعی و بهره‌برداری حداکثر از آن.
- ۱۱-۳. سازماندهی و هماهنگی تشکیلات، برنامه‌ها و فعالیت‌ها با عنایت به تمرکز در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها و عدم تمرکز در امور اجرایی با عنایت به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی در مرکز و استان‌ها.
- ۱۲-۳. تقویت ظرفیت‌های پژوهشی و اطلاعاتی و پایه‌ای کردن نظام آماری در برنامه‌ریزی و ارزشیابی فعالیت‌ها و تمرکز اطلاعات فرهنگی.
- ۱۲-۳. سازماندهی و بهره‌برداری مطلوب از امکانات و تأسیسات فرهنگی و هنری نهادهای دولتی غیرفرهنگی و جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها در امور غیرضروری.
- ۱۴-۳. افزایش ارتباط مناسب و مکمل، میان بخش فرهنگ و بخش آموزش، به ویژه در زمینه تربیت نیروی انسانی و گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری در مراکز آموزشی به‌منظور بهره‌گیری سالم از اوقات فراغت جوانان.
- ۱۵-۳. بازگشت درآمدهای حاصل از خدمات و تولیدات فرهنگی و هنری در مراکز آموزشی به‌منظور بهره‌گیری سالم از اوقات فراغت جوانان.
- ۱۶-۳. بازیابی و آموزش مستمر نیروی انسانی و مدیران شاغل در بخش فرهنگ.
- ۱۷-۳. کمک به تأمین مواد اولیه و تقویت صنایع تولید مواد و ملزومات فرهنگی و هنری و توزیع عادلانه امکانات.
- در اولویت‌های برگرفته از اصول فرهنگی (بند «۳») کشورها و مجامع اسلامی و ایرانیان، برنامه‌های فرهنگی و هنری خارج کشور در اولویت قرار دارند و این به آن معنا نیست که در برنامه‌های فرهنگی نسبت به دیگر کشورها و ملل بی‌توجه باشیم.
- اولویت‌بندی دیگری که در حوزه فرهنگ متخذ از سیاست فرهنگی کشور صورت گرفته، اولویت براساس مقولات فرهنگی است که در زیر آمده است:
- .
- تأسیس مجتمع‌های فرهنگی، سینمایی و شبکه‌های توزیع و فروش در سراسر کشور به‌منظور عرضه سریع و ارزان محصولات و تولیدات فرهنگی و هنری.
- ایجاد، تقویت و تجهیز کتابخانه‌های عمومی، سالن‌های سینما، تالارهای نمایش، نگارخانه‌ها،



- موزه‌های هنری به تناسب جمعیت.
- تقویت و ایجاد مراکز و تأسیساتی مانند هنرستان‌ها، فیلم خانه‌های ملی، لابراتور و مراکز سینمایی کشور، استودیوهای بزرگ ضبط موسیقی ایرانی، شهرک سینمایی، فرهنگستان علوم و شبکه سراسری خانه‌های فرهنگ و موزه.
 - هدایت و ترویج و آموزش عمومی هنر و ادبیات به‌ویژه هنرهای سنتی ملی و اسلامی و برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات منطقه‌ای و سراسری با اختصاص جوایز و پاداش‌های مناسب.
 - کمک به افزایش تولید سینمایی و هنری و نیز نمایش‌های فیلم و تئاتر در مراکز آموزشی کارگری و کارمندی به‌منظور همگانی کردن فرهنگ و استفاده از انواع آموزش‌های تخصصی دولتی و آزاد.
 - کمک به ایجاد کانون‌های مخصوص نویسندگان و هنرمندان و مترجمان و روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و تقویت جریان‌ها و تشکل‌های متعهد.
 - وضع مقررات لازم برای حمایت قانونی از آثار و تولیدات فرهنگی، علمی و هنری.
 - کمک به توسعه ارتباطات سازنده میان هنرمندان و نویسندگان و محققان داخلی و خارجی.
 - تشکیل و تقویت و تجهیز مراکز اطلاعات فرهنگی و هنری و مراکز حفظ و تنظیم اسناد، مدارک و شناسنامه‌های فرهنگی و هنری.
 - ایجاد و تقویت مجتمع‌های پژوهشی و تحقیقات کاربردی در زمینه‌ها و بخش‌های مختلف فرهنگی.
 - پژوهش در فرهنگ عامه، گویش‌های مختلف و جایگزین کردن لغات و اسامی مناسب فارسی.
 - توسعه و تقویت کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در مراکز علمی و دانشکده‌های داخل و خارج از کشور و نیز تقویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و پاک‌سازی اماکن از واژه‌ها و اسامی بیگانه.
 - ذکر تاریخ هجری در مورد حوادث جهان اسلام و ایران پس از اسلام و نیز در موارد ضرورت ذکر تاریخ میلادی، تاریخ هجری در کنار آن نیز آورده شود.
- .
- جمع‌آوری اسناد و آثار انقلاب اسلامی و تدوین و تکمیل تاریخ انقلاب.
 - تأسیس و تقویت موزه‌های بزرگ و کوچک در مرکز و مناطق کشور و ساختن بناهای یادبود و حفظ اسناد و آثار و نیز تدوین و تکمیل تاریخ دفاع مقدس.
- .
- توسعه ایرانگردی و جهانگردی و تولید مواد فرهنگی و هنری لازم برای معرفی مناطق زیارتی و سیاحتی ایران و برنامه‌ریزی در زمینه جذب مسافرین خارجی و سیر و سفر داخلی با افزایش بهره‌وری از امکانات زیارتی، سیاحتی و تفریحی کشور، با رعایت قوانین و ارزش‌های مقدس انقلاب به‌منظور شناسایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران.



- ایجاد و تحکیم ارتباط میان فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی ایران با دیگر فرهنگستان‌ها و گسترش انجمن‌های فرهنگی در ارتباط با کشورها و تأسیس و تقویت مراکزی مانند رایزنی فرهنگی، دانشگاه بین‌المللی اسلامی و مراکز تحقیقات فرهنگی بین‌الملل.
 - استفاده از مراکز علمی و فرهنگی غیررسمی و فعال در خارج با بهره‌گیری از تجارب نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای دیگر و تأمین حضور فعال و مؤثر جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های فرهنگی جهان به‌خصوص حج و اماکن مذهبی و افزایش تولیدات فرهنگی و هنری برای خارج از کشور.
 - ارسال گروه‌ها و مواد و امکانات فرهنگی و هنری به نقاط مختلف جهان و تجهیز نمایندگی‌های فرهنگی ایران به‌منظور گسترش و افزایش حضور فرهنگی، هنری، خبری و مطبوعاتی جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی.
- .
- تعیین جایگاه مناسب برای بخش فرهنگ در نظام بودجه‌ریزی کشور و تخصیص اعتبارات به نحوی که ثبات مالی لازم برای برنامه‌ریزی بلندمدت فراهم شود و فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی تابع تغییرات بودجه جاری کشور نباشد.
 - استفاده از امکانات بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه برای تأمین اجتماعی نویسندگان، هنرمندان و محققان امور فرهنگی و هنری و اختصاص صندوق وام و بیمه ویژه.
 - برقراری مقررات لازم به‌منظور ارائه تخفیف‌ها و معافیت‌های ویژه مالیاتی و گمرکی برای همه دست‌اندرکاران امور فرهنگی و هنری و استفاده از خدمات عمومی و امکانات اولیه توسط آنان و توسعه صادرات آثار فرهنگی، هنری و ایجاد بازار آثار هنری در داخل و خارج به‌منظور بهره‌گیری معنوی و ایجاد منابع درآمد.
 - افزایش امکانات فرهنگی و هنری مناسب در مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، انجمن‌ها و دفاتر و مراکز فعالیت‌های مذهبی و تبلیغی.
 - حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و هنری مراکز مذهبی و تبلیغی در جهت سیاست فرهنگی کشور و افزایش میزان بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌ها و امکانات موجود آنها.
 - اختصاص بخشی از تبلیغات شهری برای طرح مسائل و موضوعات فرهنگی عمومی در مورد محیط زیست، بهداشت، جمعیت، مهاجرت، تولید، نظم، قانون، مصرف و نظایر آن.
 - حمایت از مطبوعات و کمک به گسترش و ارتقای کمی و کیفی مطبوعات و دستیابی آنها به شیوه‌های مطلوب و جامع در انتشار اخبار و مطالب و نظرات منطقی مختلف با رعایت استقلال و



آزادی در چارچوب قوانین و نیز توسعه و تقویت آنها در داخل و خارج کشور.

- توسعه، تقویت و تجهیز خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
- تأسیس و تقویت مرکز آموزش عالی تربیت نیروی انسانی لازم برای وسایل ارتباط جمعی همچنین تأسیس و تقویت نمایندگی‌های مطبوعاتی و وسایل ارتباط جمعی در خارج از کشور به‌منظور بهره‌گیری از تجربه‌ها و تحقیقات داخلی و خارجی در عرصه فعالیت‌های خارجی و تبلیغی.
- افزایش پوشش جمعیتی و جغرافیایی صدا و تصویر شبکه‌های استانی، کشوری و برون مرزی و نیز افزایش و ارتقای کمی و کیفی برنامه‌های صداوسیما متناسب با نیازهای تبلیغی و فرهنگی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران.
- تقویت رسانه‌ها با بهره‌گیری لازم از دانش فنی جدید و انتخاب شیوه‌های مؤثر و متنوع تبلیغاتی با توجه به اصول و ارزش‌های اسلامی و انسانی.
- بهره‌گیری از نظریات و تجربه‌های مسئولان، دانشمندان، اساتید و دانشجویان در زمینه امور فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی و جهت دادن به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان در زمینه تحقیقات و پژوهش‌های فرهنگی مورد نیاز.
- به‌منظور استخراج اولویت‌های فرهنگی از اصول سیاست فرهنگی، طبقه‌بندی از این اصول ارائه شده است. به این منظور اصول مختلف با توجه به تشابهات موجود در دستجات مختلف و با هدف مشترک و کارکرد واحد در هر دسته تجمیع شده است. کارکردها و اهداف مترتب بر آنها تعیین شده است.



<p>- استحکام هویت اسلامی - تأمین استقلال فرهنگی - ایجاد وحدت رویه در تنظیم برنامه‌های فرهنگی - استقرار و حفظ ارزش‌ها و تعالیم اسلامی در زندگی فردی و جمعی - حفظ آثار اسلامی و ملی و احیای دستاوردهای تمدن اسلام در ایران - تحکیم وحدت ملی و دینی - تقویت، احیا و معرفی هنر اصیل و سازنده در زمینه‌های سازگار با روح تعالیم اسلام</p>	<p>دستیابی به شناخت ریشه‌ای در زمینه هویت اسلامی و استقلال فرهنگی</p>	<p>- بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی و هنری (بخشی از اصل یکم) - شناخت جامع فرهنگ و مدیریت اسلام و ایران (بخشی از اصل دوم) - شناسایی ویژگی‌های قومی و مذهبی (بخشی از اصل پنجم) - شناخت ارکان هویت اصیل دینی و ملی (بخشی از اصل بیست و دوم)</p>
<p>- ایجاد استحکام و استمرار هویت اسلامی و استقلال فرهنگی - معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران - مقابله با خرافات و موهومات - تقویت جایگاه شخصیت واقعی زن مسلمان</p>	<p>استقرار ارزش‌ها و تعالیم اسلامی و فضایل اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی</p>	<p>- حفظ مآثر و موارث اسلامی و احیای دستاوردهای مثبت و ارزشمند تمدن اسلام در ایران (بخشی از اصل اول) - ترویج اخلاق و معارف اسلامی (بخشی از اصل دوم) - معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران (بخشی از اصل بیست و دوم) - مقابله با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری، مقدس‌مآبی و ظاهرگرایی (بخشی از اصل دوازدهم) - مقابله با افراط در تجددطلبی و خودباختگی در برابر بیگانگان (بخشی از اصل دوازدهم) - ترویج روحیه قیام به قسط و عدالت اجتماعی (اصل سیزدهم) - ارزش دادن به کار و اهمیت بخشیدن به تلاش و کوشش در جهت استقلال و خوداتکایی (بخشی از اصل چهاردهم) - التزام به کفاف و قناعت و مبارزه با روحیه اسراف و تبذیر (بخشی از اصل چهاردهم) - تقویت، احیا و معرفی هنر اصیل و سازنده در زمینه‌های سازگار با روح تعالیم اسلامی (بخشی از اصل شانزدهم) - تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن مسلمان (بخشی از اصل هجدهم) - توسعه و اعتلای تبلیغات فرهنگی و هنری به نحو مناسب به منظور ترویج و تحکیم فضایل اخلاقی (بخشی از اصل بیست و چهارم)</p>



<p>- توسعه حضور در صحنه‌های فرهنگی جهان</p> <p>- حفظ صحنه تبادل فرهنگی</p> <p>- پرهیز از تبدیل صحنه تبادل فرهنگی به صحنه تهاجم فرهنگی</p> <p>- ارائه ارزش‌های محکم و ثابت دینی و فطری برای پاسخگویی به دردهای بروز یافته در مغرب زمین</p> <p>- پرهیز از هر نوع بی‌نقشی و بی‌عملی</p>	<p>بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جهان و حفظ، تداوم و استحکام آن</p>	<p>- ارتباط فعال با کشورها و ملت‌ها (بخشی از اصل سوم)</p> <p>- تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و دیگر ملل جهان (بخشی از اصل سوم)</p>
<p>- درک مقتضیات و تحولات زمان، بر مبنای ارزش‌های اسلامی</p> <p>- مهیا شدن برای مواجهه صحیح با تحولات</p> <p>- استفاده از دستاوردهای قابل انطباق با اصول و ارزش‌های اسلامی</p> <p>- فراهم شدن مبانی مستند بر تأمین استقلال فرهنگی</p> <p>- توسعه حضور در صحنه‌های فرهنگی جهان</p>	<p>شناسایی و نقد دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری</p>	<p>- استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهان با بهره‌گیری از کلیه روش‌ها و ابزار مفید و مناسب (بخشی از اصل چهارم)</p> <p>- شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری (بخشی از اصل چهارم)</p> <p>- تلاش مستمر در جهت رشد علمی و فرهنگی جامعه (بخشی از اصل ششم)</p>
<p>- تقویت ادراکات قلبی، انگیزه‌ها و جاذبه‌های انسان</p> <p>- تقویت ادراکات ذهنی، اندیشه‌ها و تفکرات انسان</p> <p>- ایفای مسئولیت نظام جمهوری اسلامی در قبال تربیت‌پذیری و تأثیرپذیری انسان و به فضیلت درآوردن استعدادها و خلاقیت‌های انسان در زمینه‌های گوناگون</p>	<p>عینیت بخشیدن به ظرفیت نامحدود و کشش فطری انسان به سوی علم و دانایی و خلاقیت</p>	<p>- تلاش مستمر در جهت رشد علمی و فرهنگی و فنی جامعه (بخشی از اصل ششم)</p> <p>- فراگیر شدن امر سواد و تعلیم و تربیت (بخشی از اصل ششم)</p> <p>- بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعداد و خلاقیت‌ها و حمایت از ابتکارات و ابداعات (اصل هشتم)</p> <p>- فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق و بهره‌گیری از نتایج آن در تمام زمینه‌ها (اصل دهم)</p> <p>- تکامل شخصیت علمی جوانان (بخشی از اصل هفدهم)</p> <p>- اهتمام و اقدام به‌منظور شناخت نیروهای نسل جوان کشور (بخشی از اصل هفدهم)</p> <p>- تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن مسلمان و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایفای نقش اساسی خود به‌عنوان مربی نسل آینده (بخشی از اصل هجدهم)</p> <p>- توجه به فرهنگ و هنر (اصل بیست‌ونهم)</p>
<p>- تقویت ادراکات قلبی، ذهنی و حسی انسان</p> <p>- ایجاد زمینه مناسب برای رشد عقلی و عاطفی انسان</p> <p>- تقویت قدرت ایمان انسان</p>	<p>رشد و شکوفایی روح و جسم انسان</p>	<p>- اهتمام همه‌جانبه به امر ورزش و تربیت بدنی به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی مهم (بخشی از اصل پانزدهم)</p> <p>- پرورش روح و جسم انسان (بخشی از اصل پانزدهم)</p>



<p>- ایجاد و تقویت عزت نفس انسان - ایجاد زمینه مناسب برای آراستگی انسان به فضایل اخلاقی</p>		<p>- تکامل شخصیت عقیدتی جوانان (بخشی از اصل هفدهم)</p>
<p>- ارزش دادن به کرامت، شرافت و آزادی ذاتی انسان به‌عنوان خلیفه الهی و امانتدار خداوند صاحب اختیار و اراده</p>	<p>حفظ شأن، کرامت و آزادی انسان</p>	<p>- پاسداری از حریت و امنیت انسان در عرصه‌های مختلف (اصل نهم) - گسترش روحیه نقد و انتقادپذیری (بخشی از اصل بیست‌وسوم) - حمایت از حقوق فردی و اجتماعی (بخشی از اصل بیست‌وسوم) - اتخاذ سیاست‌های ایجابی و مثبت به‌منظور ایجاد مصونیت برای افراد و جامعه و پرهیز از خشونت و شتابزدگی (بخشی از اصل بیستم) - دعوت به خیر و همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر بر مبنای حکمت، موعظه حسنه، شرح صدر و نیل به آنچه احسن است (بخشی از اصل بیست‌وسوم)</p>
<p>- تأمین و تقویت حق مشارکت مردم در امور - ایجاد و تقویت حس مسئولیت‌پذیری مشترک در مردم - تقویت خرد جمعی</p>	<p>مشارکت اجتماعی و ایفای مؤثر از سوی مردم</p>	<p>- تکامل مسئولیت‌پذیری جوانان و حضور مستقیم و مشارکت هر چه بیشتر آنان در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی (بخشی از اصل هفدهم) - اهتمام به مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری، سیاسی و مبارزه با بینش‌های نادرست در این زمینه (بخشی از اصل هجدهم) - حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات غیردولتی به‌منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه امور فرهنگی با نظارت دولت (بخشی از اصل نوزدهم) - گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی (بخشی از اصل نوزدهم) - اهتمام به شور و مشورت و پرهیز از یک‌سو نگری و استبداد رأی (بخشی از اصل بیستم)</p>
<p>- آفرینش نظم - اشاعه و تقویت اصل ارزش نهادن به قانون - تعمیم و گسترش عدالت - حمایت از مردم - هدایت مردم به سوی خودکنترلی و پرهیز از تخطی از قانون - تأمین امنیت و آرامش مردم</p>	<p>قانونمند کردن امور و استقرار نظم اجتماعی</p>	<p>- آموزش و تشویق برای تقویت روح اجتماعی و مقدم داشتن مصالح جمعی بر منافع فردی (بخشی از اصل بیست‌ویکم) - احترام گذاشتن به قانون و نظم عمومی، به عنوان یک عادت و سنت اجتماعی (بخشی از اصل بیست‌ویکم) - پیشقدم بودن دولت در دفاع از حرمت قانون و حقوق اشخاص (بخشی از اصل بیست‌ویکم)</p>



- تقویت روحیه تفکر - تقویت روحیه انتقادپذیری	گفتگو و تضارب سازنده تفکرات و اندیشه‌ها	- تقویت فکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی و تعارض افکار (اصل یازدهم)
- شناسایی قابلیت‌های زبان فارسی - ترویج زبان و ادب فارسی - آموزش صحیح ادبیات فارسی	عنايت بخشیدن به زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان زبان قدرتمند گفتمان فرهنگی	- اهتمام به زبان و ادبیات فارسی و تقویت و ترویج و گسترش آن (اصل هفتم)

: بررسی وضعیت فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجری جهاد دانشگاهی، سال ۱۳۸۴.



۱. استحکام هویت اسلامی،
۲. استقلال فرهنگی،
۳. استقرار و حفظ ارزش‌های اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی،
۴. حفظ آثار ملی و اسلامی،
۵. احیای دستاوردهای تمدن اسلامی،
۶. وحدت ملی و دینی،
۷. معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام،
۸. معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ ایران،
۹. مقابله با خرافات و موهومات،
۱۰. تقویت جایگاه و شخصیت زن مسلمان،
۱۱. استقلال و خوداتکایی ملی،
۱۲. تقویت همبستگی با مسلمانان و دیگر ملل،
۱۳. فرهنگ انقلاب اسلامی،
۱۴. روحیه نقدپذیری،
۱۵. مشارکت،
۱۶. ارزش کار و تلاش،
۱۷. روحیه قیام به قسط و عدالت اجتماعی،
۱۸. مقابله با مقدس‌مآبی و ظاهرگرایی،
۱۹. درک مقتضیات زمان،
۲۰. احترام به قانون.

خوشبختانه برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی در بعد بین‌المللی در سیاست و اهداف و اولویت‌های فرهنگی کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، حمایت از ارتباط و تعامل بین هنرمندان، نویسندگان و محققان داخلی با خارجی، توسعه و تقویت کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در مراکز علمی و دانشگاه‌های خارج از کشور، توسعه ایرانگردی و جهانگردی، ایجاد و تحکیم ارتباط میان فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی ایران با دیگر فرهنگستان‌ها، گسترش انجمن‌های فرهنگی در ارتباط با دیگر کشورها، گسترش رایزنی‌های فرهنگی، تأسیس دانشگاه و مراکز تحقیقات فرهنگی



بین‌الملل، افزایش صادرات محصولات فرهنگی، گسترش مطبوعات ایرانی در خارج از کشور، افزایش برنامه‌های برون مرزی صدا و سیما و... تأکید شده است. البته قابل ذکر است در این بین کشورهای اسلامی و منطقه در برنامه‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از اولویت برخوردارند. در مجموع اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بعد بین‌المللی به شرح زیر احصا می‌شوند:

- توسعه حضور در صحنه‌های فرهنگی جهان،

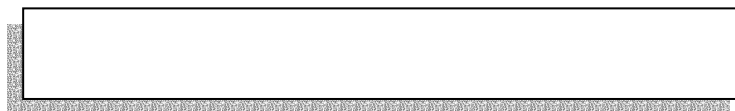
- حفظ صحنه تبادل فرهنگی،

- پرهیز از تبدیل صحنه تبادل فرهنگی به صحنه تهاجم فرهنگی،

- ارائه ارزش‌های محکم و ثابت دینی و فطری برای پاسخگویی به دردهای بروز یافته در

مغرب زمین،

- پرهیز از هر نوع بی‌نقشی و بی‌عملی.

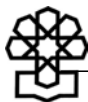


برنامه‌ریزی فرهنگی اقدامی آگاهانه و تعمدی از جانب دستگاه دولت برای هدایت، اصلاح، حفظ، تغییر، ساماندهی و توسعه فرهنگ جامعه است به گونه‌ای که تجلی‌بخش آرمان‌های اصلی نظام در جامعه باشد.

با توجه به مباحث بیان شده در فصل قبل، در این فصل به بررسی برنامه‌های فرهنگی در چهار قانون برنامه با تأکید بر برنامه‌های فرهنگی خواهیم پرداخت و روی برنامه چهارم به‌عنوان اولین برنامه تحقق‌سند چشم‌انداز بیست‌ساله تأکید بیشتری خواهد شد و سعی می‌شود به نقاط قوت و ضعف برنامه چهارم در جهت تحقق اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

این برنامه، اولین تجربه برنامه‌ریزی جامع پس از انقلاب اسلامی است که طبق نظر کارشناسان امر برنامه‌ریزی، عمدتاً با رویکرد اقتصادمدار تهیه و تنظیم شده است. این بدان معناست که سیاست‌های کلان و ساخت‌افزاری زیربنایی مورد توجه و ابعاد روانی، فکری و ارزشی وجود آدمی کمتر مورد تأکید و تمرکز قرار گرفته است.^۱ در این برنامه، جایگاه اندیشه، سلوک و شیوه زندگی، که تحت عنوان وسیع فرهنگ ایرانی قرار می‌گیرد و نقش آن در رشد و توسعه بومی پایدار اساساً کمرنگ است. با این حال

۱. بررسی وضعیت فرهنگی کشور، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.



۱. در این برنامه، از مجموع دوازده طبقه پیش‌بینی شده

در تقسیم‌بندی، فقط پنج محور حاوی فراوانی هستند که عبارت است از:

۷	آفرینش‌های فرهنگی و تولیدات فرهنگی پژوهشی	۱
۴	هویت دینی	۲
۳	آموزش ارزش‌ها و ضدارزش‌های اجتماعی	۳
۲	همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی	۴
۱	مشارکت عامه	۵

اهداف برنامه دوم که تا حدودی با بهره‌گیری از تجارب برنامه اول صورت‌بندی شده است، به‌طور نسبی معقولانه‌تر و بیشتر متناسب با وضعیت کشور است اما با این حال هنوز بلندپروازانه و بی‌توجه به امکانات و اهداف کمی برنامه است.^۲ در این برنامه بجز دو طبقه دیگر طبقات حاوی فراوانی به قرار زیر هستند:

۷	آموزش ارزش‌ها و ضدارزش‌های اجتماعی	۱
۶	آموزش عمومی	۲
۵	هویت دینی	۳
۴	سیاستگذاری فرهنگی	۴
۴	اوقات فراغت و تربیت بدنی	۵
۲	مشارکت عامه	۶
۲	مشارکت زنان و جوانان	۷
۱	آفرینش‌ها و تولیدات فرهنگی - پژوهشی	۸
۱	هویت ملی	۹
۱	اماکن و بناهای فرهنگی	۱۰

۱. حمید امین اسماعیلی، برنامه اول و دوم توسعه فرهنگی، فصلنامه پژوهش، بهار و تابستان، ۱۳۷۸، صص ۲۲ و ۲۳.

۲. صص ۲۵ و ۲۴، برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: سیداحمد حسینی، بررسی میزان تحقق اهداف فرهنگی در برنامه اول و دوم توسعه کشور، مقالات برگزیده همایش نقش دولت در توسعه فرهنگی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸.



چنان‌که در جدول فوق ملاحظه می‌شود اگرچه در برنامه دوم به برنامه‌های فرهنگی توجه بیشتری شده است، اما این برنامه‌ها عمدتاً داخلی بوده و به برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی در خارج از مرزهای کشور توجه جدی نشده است.

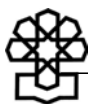
این برنامه از ۱۶ ماده و هر ماده از چند بند و گاهی چند تبصره تشکیل شده است که در مجموع ۲۱ عنوان را مطرح می‌کند. این برنامه نیز بجز ۲ طبقه، دیگر مقولات را دربردارد.

۱	سیاستگذاری فرهنگی	۳
۲	آفرینش‌ها و تولیدات فرهنگی - پژوهشی	۳
۳	اماکن تاریخی و میراث فرهنگی	۳
۴	اوقات فراغت و تربیت	۳
۵	بناهای فرهنگی	۳
۶		۳
۷		۲
۸		۱
۹		۱
۱۰		۱

برنامه سوم با توجه به بهره‌گیری از تجارب دو برنامه قبلی کاربردی‌تر و قابلیت اجرایی آن بیشتر است و به فرهنگ با معنای حداکثری پرداخته شده است، اما ضعف دو برنامه قبلی یعنی پرداختن به اهداف کیفی، آرمانی، بلندپروازانه و غیرقابل اندازه‌گیری، در این برنامه به چشم می‌خورد.

هدف برنامه چهارم آن بوده است که با رفع کاستی‌ها و ضعف‌های حوزه فرهنگی، ساختار مناسبی را برای اداره امور فرهنگی کشور به منظور استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود و افزایش بهره‌وری برای دستیابی به اهداف نظام مندرج در سند چشم‌انداز فراهم آورد. از همین‌روی بررسی موفقیت یا عدم موفقیت این برنامه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

برنامه چهارم مشتمل بر ۱۵ ماده اصلی و تعداد زیادی بند و تبصره است و در تدوین آن



تعدادی از ماده‌های برنامه سوم تکرار شده‌اند (عیناً یا جزئاً)، این برنامه در مجموع از ۳۰ موضوع تشکیل شده است که بجز دو طبقه در دیگر طبقات توزیع شده‌اند:

۵	اماکن و بناهای فرهنگی	۱
۴	آفرینش‌ها و تولیدات فرهنگی - پژوهشی	۲
۴	اماکن تاریخی و میراث فرهنگی	۳
۴	همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی	۴
۳	هویت دینی	۵
۳	اوقات فراغت و تربیت بدنی	۶
۲	سیاستگذاری فرهنگی	۷
۲	هویت ملی	۸
۲	مشارکت جوانان و زنان	۹
۱	مشارکت عامه	۱۰

آنچه از جستجو در برنامه‌های چهارگانه توسعه کشور برمی‌آید آن است که از دیدگاه این اسناد پنج مقوله زیر با ترتیب اولویت، بیشتر از دیگر مقولات مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان بخش فرهنگ قرار گرفته است:

- آفرینش‌ها و تولیدات فرهنگی،
- هویت - مؤلفه هویت دینی،
- میراث فرهنگی - مؤلفه بناهای فرهنگی،
- آموزش - مؤلفه آموزش ارزش‌ها و ضدارزش‌های اجتماعی،
- اوقات فراغت و تربیت بدنی.



۹	۲	۳	۴	-	سیاستگذاری فرهنگی	۱
۱۵	۴	۳	۱	۷	آفرینش‌ها و تولیدات فرهنگی اول	۲
۱۳	۳	۱	۵	۴	دینی	۳
۳	۲	-	۱	-	ملی	
۱۰	-	-	۷	۳	ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اجتماعی	۴
۷	-	۱	۶	-	عمومی	
۶	۲	۲	۲	-	جوانان و زنان	۵
۵	۱	۱	۲	۱	عامه	
۷	۴	۳	-	-	اماکن تاریخی و میراث فرهنگی	۶
۱۱	۵	۳	۱	-	بناهای فرهنگی	
۹	۳	۲	۴	-	اوقات فراغت و تربیت بدنی	۷
۸	۴	۲	-	۲	همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی	۸

در جدول فوق مشخص می‌شود که مقوله فرهنگ در برنامه چهارم توسعه نسبت به سه برنامه قبلی از نظر آماری دارای فراوانی بیشتری است و این مسئله از آن جهت دارای اهمیت است که قانون چهارم توسعه اولین سند پنج‌ساله برای فراهم کردن بستر و زمینه‌های سیاستی و قانونی لازم برای حرکت به سوی تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله است. شایان ذکر است این توجه در مسائل بین‌المللی فرهنگی نیز کاملاً مشهود است که در زیر بدان بیشتر پرداخته می‌شود:

۱. در بخشی از ماده (۱۰۴) قانون برنامه چهارم «ایجاد بستر مناسب برای ورود به بازارهای جهانی فرهنگ و هنر» مورد تأکید قرار گرفته است، اما در این زمینه اطلاعات دقیق و روشنی وجود ندارد تا مبنای تحلیل قرار گیرد.

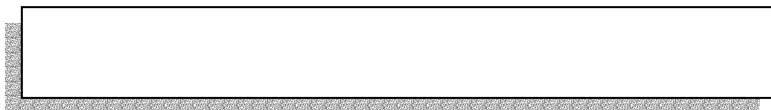
۲. ماده (۱۰۸) در جهت زنده و نمایان نگهداشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن نقش آن به‌عنوان یک معیار اساسی تنظیم شده است و خصوصاً بند «ه» همین ماده بر فعالیت‌های خارج از کشور جهت تحقق این مسئله تأکید دارد. در این خصوص می‌توان به بعضی از رایزنی‌های فرهنگی در خارج از کشور اشاره کرد از جمله برگزاری همایش اندیشه و سیره امام خمینی (ره)، ترجمه و انتشار آثار امام خمینی (ره) در دیگر کشورها و... اما متأسفانه به‌رغم پیگیری‌های زیاد، اطلاعات و آمار مدونی در این زمینه به‌دست نیامده است و یا این اقدامات چه پیامدهایی در خارج از کشور داشته هیچ مطالعه‌ای به‌صورت متمرکز انجام نشده است.

۳. همچنین ماده (۱۱۰) دولت را مکلف کرده است «به‌منظور ترویج فرهنگ صلح، مفاهیم، عدم خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها در مناسبات بین‌المللی و تحقق گفتگو میان فرهنگ‌ها



و تمدن‌ها، اقداماتی را در شش بند انجام دهد که این بندها عمدتاً در بعد بین‌المللی و در راستای گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست. در خصوص اجرای این ماده هم اقداماتی از جمله معرفی فرهنگ و هنر ایران قدیم و ایران معاصر در قالب نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، هم‌اندیشی بین‌نخبگان و فرهیختگان ایرانی و دیگر کشورها، برگزاری همایش با موضوعات ادیان و... انجام شد که متأسفانه در این درباره یا به‌درستی مستندسازی صورت نگرفته است یا این اطلاعات در دسترس نیست. البته برخی از کارشناسان معتقدند با تغییر رویکرد دولت نهم در مورد روابط خارجی و تغییر اولویت‌ها، فعالیت درخصوص گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نسبت به دولت قبلی تا حدی کاهش یافته است اما این مسئله در حد یک حدس و گمان است، زیرا اطلاعات دقیقی از عملکرد دو دولت در این خصوص وجود ندارد تا مبنای تحلیل قرار گیرد.

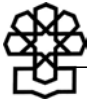
در فصل پیشین، برنامه‌های فرهنگی در چهار قانون توسعه مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که در قانون چهارم توسعه به‌عنوان اولین برنامه چشم‌انداز به برنامه‌های فرهنگی توجه بیشتری شده است، اما در جهت اجرایی شدن قانون برنامه چهارم موانع و مشکلات جدی پیش‌روی این قانون قرار دارد که در برنامه بعدی جهت رفع آن باید تمهیداتی در نظر گرفته شوند، موانعی نظیر فقدان استراتژی فرهنگی، توصیه‌ای بودن و نداشتن الزام قانونی، کیفی بودن و عدم توجه به کمی‌سازی، بخشی‌نگری به حوزه فرهنگ، فقدان انسجام میان بخش‌های مختلف و عدم اجرای تکالیف قانونی در حوزه فرهنگ توسط دولت (عدم اجرای بندهای «د»، «ه»، «و»، «ک» و «م» ماده ۱۰۴) متناسب با انتظارات و نقاط هدفگذاری شده) فرا روی این برنامه قرار دارند.



- حاکم بودن بینش توحیدی بر تمامی شئون و عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی و نقش و تأثیر بنیادی اعتقاد به اصول و فروع دیانت جامعه اسلامی.
- جاودانگی روح انسان و کرامت و شرافت ذاتی او به‌عنوان خلیفه... و امانت‌دار خداوند، صاحب اراده و اختیار، دارای قدرت تعقل و انتخاب در جریان سرنوشت و نیز نقش عقل و تجربه در استمرار حرکت تکاملی وی.
- سرشت مادی و معنوی بشر و قابلیت رشد و شکوفایی وی در همه وجوه و زمینه‌های فردی و



- اجتماعی، مادی و معنوی، جسمی و روحی، عقلی و عاطفی و ملازمه این وجود با یکدیگر.
- ترسیم و راه‌اندازی نظام اجرایی توانمند، با سرمایه انسانی متخصص و متعهد.
 - هماهنگی میان نهادهای سیاستگذاری و اجرایی متولی بخش‌های مختلف زنجیره فرهنگی کشور.
 - تأکید بر مدیریت و هدایت جریان فرهنگی کشور از سوی نخبگان متعهد.
 - تمهید سازوکارهای متناسب برای هم‌سویی طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مؤثر بر زنجیره فرهنگی کشور.
 - معیار قرار دادن نگرش عالمانه، آینده‌نگر و راهبردی و پرهیز از روزمرگی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی.
 - هدفمند بودن کلیه فرآیندها و اقدامات اجرایی خرد و کلان در طول زنجیره فرهنگی کشور.
 - ایجاد وحدت‌رویه و هماهنگی در میان دستگاه‌های مختلف و بسیج امکانات و توانایی‌ها برای پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جامعه.
 - مصونیت کارگزاران و متخصصان فعال در زنجیره فرهنگی کشور از تحولات سیاسی و اجتماعی.
 - تأکید بر نگرش آینده‌شناسی و آینده‌نگری و تأمین آینده.
 - توجه به فرصت‌های بالقوه و بالفعل موجود و ظرفیت‌سازی برای حداکثر استفاده از آنها.
 - تدوین نظام جامع و کارآمد ارزیابی و نظارت درونی و برونی بر فعالیت‌های فرهنگی و سنجش سریع آثار مختلف سیاست‌ها و برنامه‌های وضع شده و اصلاح نواقص احتمالی.
 - تسهیل و تسریع فرآیند سیاستگذاری و تصمیم‌سازی در طول زنجیره فرهنگی کشور.
 - برنامه‌ریزی بر مبنای فهم و نقد.
 - توجه به کشف و پرورش خلاقیت و شکوفاسازی استعدادها در حوزه فرهنگ
 - حمایت ویژه از نوآوری و نظریه‌پردازی علوم انسانی
 - تشویق و حمایت مؤثر و مداوم از کارگزاران توسعه و گسترش حوزه فرهنگ
 - ارتباط فعال با کشورهای و مراکز فرهنگی بین‌المللی و استفاده از تجربیات و دستاوردهای علمی آنها با بهره‌گیری از کلیه روش‌ها و ابزارهای مفید و مناسب.
 - زمینه‌سازی و ایجاد سازوکار لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های فرهنگی و هنری.
 - ارتقا و بهبود وضعیت پژوهش در دانشگاه‌ها و نهادهای علمی در حوزه فرهنگ.
- بدیهی است در کنار ظرفیت‌های پیش‌گفته باید به الزامات و اقتضائات چشم‌انداز نیز توجه جدی داشت به‌طور کلی الزامات چشم‌انداز را در یک راهبرد کلان می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:



الف) الزامات نرم‌افزاری،

ب) الزامات سخت‌افزاری.

الزامات نرم‌افزاری را می‌توان به توانایی‌های مدیریتی و نهادی تعبیر کرد. توان سازمانی، تفکر سازمانی و توان مدیریت فرهنگی و استراتژیست شدن در حوزه فرهنگ از جمله این الزامات است. البته تبیین و تمرکز در هر اقدام نهادی در حوزه فرهنگی مستلزم این اصل اساسی است که در الزامات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری به موارد مهم زیر توجه شود:

- الزامات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در حوزه تولید فرهنگی،

- الزامات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در حوزه توزیع فرهنگی،

- الزامات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در حوزه مصرف فرهنگی.

بدیهی است که هرگونه تعامل و کنشی در حوزه فرهنگ مستلزم رعایت حدود سه حوزه مذکور است. الزامات نرم‌افزاری را می‌توان در موارد زیر نام برد:

. تغییرات سریع شرایط محیطی بین‌المللی، بسیاری از کشورها، مناطق، سازمان‌ها و حتی افراد را ملزم کرده است تا تصمیمات جدی، منسجم و بلندمدتی را برای تغییر و بهبود وضعیت خود اتخاذ نمایند، یعنی در واقع «استراتژی» داشته باشند. پس استراتژی، راهی است که ما برای تغییر وضعیت فعلی خود به یک وضعیت بهتر (چشم‌انداز مطلوب و اهداف موردنظر) ابداع یا انتخاب می‌کنیم. بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای پیشرفته و برخی کشورهای در حال توسعه موفق، دارای استراتژی توسعه ملی هستند. فرآیند تدوین یک استراتژی ملی بدین‌گونه است که پس از تحلیل نقاط قوت و ضعف کشور و فرصت‌ها و تهدیدهای پیشروی محیطی، چشم‌انداز یا دیدمان استراتژیک (اینکه به کجا می‌خواهیم برویم)، تصویری ایدئال‌گرایانه برای آینده که جامعه را به سوی خود می‌کشد، ترسیم می‌کنند. حال در راستای رسیدن به چنین تصویری ذهنی، اهداف ملموس و قابل دستیابی تعریف می‌شود که استراتژی‌ها، نحوه نیل به آنان را مشخص می‌کنند. استراتژی‌ها، می‌توانند تجویزی (فرمایشی یا انتخاب سیستماتیک)، تطبیقی (مقایسه با دیگران) یا ابتکاری و خلاقانه باشند. در گام بعد، برنامه اجرایی و طرح اقدام، تهیه می‌شود و بعد از اجرای هر مرحله از اقدامات، استراتژی‌ها مورد ارزیابی و بازبینی قرار می‌گیرند تا تغییرات لازمه در آنها صورت گیرد و نتایج بهینه حاصل شود و احتمالاً در صورت ناکارآمد بودن استراتژی انتخابی، سریعاً مسیر حرکت را تصحیح کرد.

«استراتژی فرهنگی»، ناظر بر نحوه توسعه فرهنگی کشور (در راستای اهداف استراتژی کلان توسعه ملی) است و در واقع نحوه تغییر شرایط فرهنگی فعلی کشور به وضعیت مطلوب آینده را تعیین می‌کند. پس استراتژی فرهنگی صریحاً بر ایجاد «تغییر و بهبود» تأکید می‌ورزد و در واقع



حالت انفعالی (همچون سیاست‌های فرهنگی) ندارد، بلکه حالت پیش رونده (و یا به تعبیری آینده‌نگرانه) به خود می‌گیرد.

. یکی از ابزارهای توسعه فرهنگی داشتن برنامه و سیاست فرهنگ است که در واقع می‌توان آن را راهنمای عمل دانست. از گذشته دور تقریباً تمامی حکومت‌ها معتقد به لزوم در اختیار داشتن وضعیت فرهنگی مطلوب در جوامع تحت‌سیطره خویش و رفتارهای اجتماعی خاص (متناسب با معنویات سیاسی و مذهبی‌شان) از سوی آنان بوده‌اند. این بدین معناست که ملل از گذشته دارای «سیاست‌های فرهنگی» ضمنی یا صریح برای خود بوده‌اند. در واقع و به زبان ساده، سیاست‌های فرهنگی، مجموعه تصمیمات کلان و چارچوب‌های قانونی خاصی هستند که حکومت‌ها برای حفظ و استقرار شرایط فرهنگی - اجتماعی مطلوب و مناسب (از نگاه خود در نظام‌های دیکتاتوری و از نگاه ملی در نظام‌های مردم‌سالاری) در جامعه اتخاذ می‌کنند. در یک کلام سیاست فرهنگی چارچوبی جامع، مانع، مدون، تشریحی، تحلیلی و مصوب را برای ابلاغ فراهم می‌سازد تا استراتژی و دیگر برنامه‌های فرهنگی در محدوده خطوط محوری راهنمای آن فعالیت نماید. پیشنهاد می‌شود برای رسیدن به چشم‌انداز وجه غالب سیاست‌های فرهنگی توجه ویژه به محورهای زیر اختصاص یابد:

- میراث فرهنگی کشور بسیار عظیم و گسترده است، اما ثبت، ضبط و توسعه نیافته و مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

- زیرساخت فرهنگی کشور ناقص، نیازمند بازبینی و بازسازی جدی است (برای مثال می‌توان به نبود زیرساخت اطلاع‌رسانی جامع و صحیح فرهنگی در کشور اشاره کرد)

- سیاست فرهنگی روشن و شفاف در کشور اجرا نمی‌شود و بیشتر تصمیمات مقطعی و موردی اتخاذ می‌شود.

- آموزش در کشور تکافوی نیازمندی‌های فرهنگی مطلوب را نمی‌کند.

- صنایع فرهنگی کشور، قوی، شاداب و روبه‌رشد نیستند.

- برای وضعیت آینده فرهنگی کشور (نسل جوان) فکری نشده است.

. نکته قابل ذکر دیگر در اینجا، رویکرد، «سیاست‌های فرهنگی

عمودی» است و رویکرد دیگر، «سیاست‌های فرهنگی افقی» است (عیناً در مورد استراتژی فرهنگی هم صادق است). سیاست‌های فرهنگی عمودی، بخش‌های خاصی از فرهنگ را مورد توجه و حمایت قرار می‌دهند (تا توسعه یابند) و بعضی حوزه‌های دیگر را محدود کرده و مانع می‌شوند، در واقع رویکرد تجویزی و مداخله‌گرانه دارند. از جمله عواملی که در انتخاب این رویکرد مؤثرند می‌توان به پیروی از یک ایدئولوژی خاص، کمبود منابع (برای سرمایه‌گذاری در تمامی حوزه‌ها) و یا اقتضای



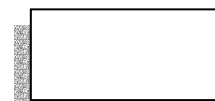
شرایط (مکان و زمان) اشاره کرد.

اما در سیاست‌های فرهنگی افقی، تمامی حوزه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند و همه حق رشد و توسعه دارند. این رویکرد، مبتنی بر تنوع‌گرایی و بسط خلاقیت‌های فرهنگی است. این رویکرد، آزادمنشانه و دست‌ودل‌بازانه است و محدودیتی برای هیچ‌یک از حوزه‌ها قائل نمی‌شود (یا از همه حمایت مساوی می‌کند یا اصلاً هیچ‌گونه حمایت مستقیمی نمی‌کند). در این رویکرد غیرمداخله‌جو، لازم نیست دولت نقش ویژه‌ای بازی کند، بلکه این خود فضای فرهنگی کشور (یا به تعبیری «بازار») است که بقا و توسعه یا از دور خارج‌شدن حوزه‌ای را تعیین می‌کند.

البته رویکرد تلفیقی هم وجود دارد که بیشتر در عمل رخ می‌دهد. رویکرد سیاست فرهنگی کشور ما، تقریباً عمودی است (چون بعضی از حوزه‌ها همچون رقص و موسیقی و... برخی زمینه‌های فکری را محدود ساخته و از بعضی حوزه‌ها حمایت ویژه می‌کند).

مطالعات و تحقیقات انجام‌شده راجع به کشورهای مختلف جهان حاکی از آن است که بسیاری از کشورها دارای سیاست فرهنگی صریح (مدون) یا نیمه‌صریح هستند، درحالی‌که معدودی از کشورها دارای سیاست فرهنگی کاملاً ضمنی (نانوشته) هستند. البته قابل ذکر است سطح، ساختار و اهداف این سیاست‌ها (در کشورهای مختلف) دارای اشتراکات و افتراقات متعددی است. بعضی بسیار مدرن و نوگرا و بعضی دیگر بیشتر سنت‌گرا هستند. با توجه به روندهای پرشتاب تغییرات در جهان، این سیاست‌ها نیازمند بازبینی و روزآمدسازی مستمر هستند. کشور ما از جمله کشورهایی است که دارای سیاست فرهنگی نیمه‌صریح و سنت‌گراست.

همین مطالعات نشان می‌دهد کشورهای همچون انگلستان و اسکاتلند هم دارای استراتژی فرهنگی صریح هستند. دولت‌های آنان، استان‌ها و شهرهای کشورشان (حتی مناطق روستایی) را ملزم به ارائه استراتژی فرهنگی محلی خود (متناسب با امکانات و شرایط بومی در راستای استراتژی فرهنگی ملی) کرده‌اند.



آنچه در نگاه اول از دید یک محقق در چشم‌انداز سند بیست‌ساله خودنمایی می‌کند، شناخت و تأکید بر مهمترین و مؤثرترین عنصر برتری فرهنگی یعنی همبستگی ملی و اجتماعی و تقویت و ارتقای اعتماد اجتماعی و ملی با استفاده از ابزار و ظرفیت‌های هنری و فرهنگی است. بی‌تردید آثار و نتایج این تأکید فقط بر حوزه اقتصاد، خود را محدود نکرده و وارد حوزه فرهنگ و عرصه‌هایی نظیر هویت و ملت‌سازی و تقویت ساختار و ساختارسازی نیز شده است. تجربه ملل نشان داده است که



برتری فرهنگی سبب برتری ساختارها و نهادهای مؤثر تمدن‌ساز نیز می‌شود. از سویی، انقلاب اسلامی نیز تحول عظیم فرهنگی در منطقه توصیف شده است. این پتانسیل انقلابی به همراه پیشینه تمدنی ایرانیان در حوزه فرهنگی شرایطی برای ایرانیان فراهم آورده است که می‌تواند حقیقتاً این تعبیر را اجرایی کند که ایران بزرگترین ترمینال تمدنی مشرق زمین است. بعد از انقلاب اسلامی، خطوط کلی و شالوده سیاست فرهنگی نوین کشور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پی‌ریزی شد. این سیاست‌ها که بیشتر جنبه شعارهای ایدئولوژیک و کلی دارند، هستند. اما نکته مهم دیگری که باید در مورد این سیاست فرهنگی خاطرنشان کرد، ساری و جاری نبودن آن در تمامی فعالیت‌های فرهنگی کشور و در یک کلام، «عملی نبودن» و اجرا نشدن آن است.

قطع نظر از این موضوع، سیاست‌های فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی با چالش‌ها و تهدیدهای فراوانی مواجه است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. نبود ارتباط منطقی و معنادار بین سیاست‌های فرهنگی در سطوح مختلف،
۲. وجود شکاف میان فرهنگ رسمی (تبلیغ شده از سوی حکومت) با فرهنگ غیر رسمی (فرهنگ شایع در بین مردم) و عدم توجه به تغییرات الگوی مصرف کالاهای فرهنگی،
۳. چالش‌های حقوقی،
- ۳-۱. تعارض قوانین و مقررات فرهنگی (عدم رعایت سلسله‌مراتب قوانین فرهنگی)^۱،
- ۳-۲. پایین بودن قابلیت‌های اجرایی برخی از قوانین فرهنگی^۲،
- ۳-۳. چالش‌های حوزه فرهنگ در قانون برنامه چهارم عبارتند از:
 - ۳-۳-۱. «فقدان استراتژی فرهنگی»^۳،
 - ۳-۳-۲. توصیه‌ای بودن و نداشتن الزام قانونی،
 - ۳-۳-۳. کیفی بودن و عدم توجه به کمی‌سازی،
 - ۳-۳-۴. بخشی‌نگری به حوزه فرهنگ،
 - ۳-۳-۵. فقدان انسجام میان بخش‌های مختلف»^۴،
 - ۳-۳-۶. عدم اجرای تکالیف قانونی در حوزه فرهنگ توسط دولت (عدم اجرای بندهای «د»، «ه»، «و»، «ک» و «م» ماده (۱۰۴) متناسب با انتظارات و نقاط هدفگذاری شده)،
۴. موازی‌کاری نهادها و دستگاه‌های فرهنگی و روشن نبودن شرح وظایف آنها،

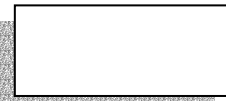
۱. طهمورث قاسمی، مروری بر چالش‌های حوزه فرهنگ، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.

۲.

۳. سینا کلهر، آسیب‌شناسی نوع نگاه برنامه چهارم توسعه به مقوله دین و تبلیغات اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷، ص ۲۵.



۵. ناکارآمدی و اثر بخش نبودن نهادها و دستگاه‌های فرهنگی،
۶. کمبود نیروی متخصص در بخش فرهنگ خصوصاً در سطح مدیریت فرهنگی،
۷. ضعف نظارت بر نهادها و دستگاه‌های فرهنگی،
 - ۷-۱. ضعف نظارت و ارزیابی بر عملکرد،
 - ۷-۲. ضعف نظارت بر منابع مالی و هزینه‌کرد،
۸. ضعف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه فرهنگ،
۹. تغییرات الگوی مصرف کالاهای فرهنگی تحت تاثیر تحولات جهانی نظیر جهانی شدن و تجاری شدن فرهنگ.



۱. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، بیست سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی، گزارش توصیفی و موضوعی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۶۳-۱۳۸۳، تهران، دانش‌پرور، ۱۳۸۴.
۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تعیین فعالیت‌های مورد نیاز برای تحقق اصول سیاست‌های فرهنگی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، خرداد ۱۳۸۰.
۳. سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور.
۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۵. قانون برنامه دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۶. چلبی، مسعود. جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، ۱۳۸۲.
۷. کتابچه فعالیت فرهنگی در دانشگاه، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۸. اسماعیلی، حمید امین. برنامه اول و دوم توسعه فرهنگی، فصلنامه پژوهش، ۱۳۷۸.
۹. اجاللی، پرویز. سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، نشر آن، ۱۳۷۹.
۱۰. فردرو، محسن و علی اکبر، رضایی. آشنایی با اصول برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فرهنگی، انتشارات عباسی، سال ۱۳۸۶.
۱۱. گزارش عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۶.
۱۲. حضرت امام خمینی (ره)، صحیفه نور.
۱۳. قاسمی، طهمورث. مروری بر چالش‌های حوزه فرهنگ، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
۱۴. کلهر، سینا. آسیب‌شناسی نوع نگاه برنامه چهارم توسعه به مقوله دین و تبلیغات اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷.
۱۵. بررسی وضعیت فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴.
۱۶. قنبری، علی. ترتب نظام ارزشی در جامعه ایرانی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، ۱۳۸۵.
17. Edgar, Andrew & Peter. Sedgwick (ed) key concept in cultural Theory, Routledge, London and New York, 1999.



:

: ۲۹. پیرامون زمینه‌ها و الزامات قانونی سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در عرصه فرهنگ

: مطالعات فرهنگی (گروه فرهنگ عمومی و ارشاد)

: مرتضی شکوهی، طهمورث قاسمی

: علی قنبری، سینا کلهر، معصومه سلیمانی

: مهدی ادیبان

: معاونت پژوهشی

: حسین صدری‌نیا

: نرگس کلاکی

:

۱. فرهنگ

۲. اصول فرهنگی

۳. سیاست‌های فرهنگی

۴. برنامه‌های فرهنگی

// :